

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" (Révolution) با رفیق نورالدین کیانوری

در ضمیمه راه توده

راه توده

شماره اول در خرداد ماه

جمعه ۱۲ اسفند ۱۳۶۱ مطابق ۱۸ چادری اول
۱۹۸۲ و ۱۹۸۳
سال اول شماره ۳۱
پهنا: ۵۰ سانتیمتر

باید فکری کرد!

خان فرزندان راستین و فداکار طبقه کارگر ایران در خطر جدی است!

نماز جمعه این هفته (ششم اسفند ۶۱) یکبار دیگر در دروس خطاها را نشان می دهد: "باید در زمینه عدالت اجتماعی فکری کرد!"

(حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

این بیان در آغاز پنجمین سال پس از پیروزی "انقلاب کوچک" نشینان علیه کاخ نشینان (امام خمینی) بیان تلخ این واقعیت است که اعتراف شجاعانه نخست وزیر و رئیس جمهور شهید رجایی که خطاب به زحمتکشان و مستضعفین از آنها خواست فریاد بزنند که رجایی هنوز کاری برای ما انجام نداد، هنوز مسئله روز جمهوری اسلامی نهاده جمهوری بیرون آمده از انقلاب خونین ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به رهبری امام خمینی باقی مانده است! نه "دستان پهنه بسته" دهقانان که "سند مالکیت" بر زمین است (امام خمینی) زمین خود را ششم می زنده نه کارگران که به قول امام خمینی "ستون انقلابند" بهبودی در زندگی خود بدست آوردند و "درآمدشان کفاف خرجشان" (آیت الله موسوی اردبیلی) را می دهد، نه سقف مسکن بالای سر زحمتکشان به آنها سرناه می دهد، نه دست فارتگران و محترکین که همان تروریست های اقتصادی هستند قطع شده است. نه بازرگانی خارجی و طبسقی بقیه در صفحه ۲.

از کدام گناهان توبه کنیم؟

در شماره پیش جوانی از سخنان آیت الله جنتی را پیرامون بازداشت های ناجوانر - دانه و عهد شکنانه بخشی از رهبران حزب توده ایران مورد توجه قرار دادیم. در این شماره جوانی دیگر از این سخنان آیت الله جنتی را مورد بررسی قرار می دهیم.

در سخنرانی پیش از خطبه های نماز روز جمعه ۲۲ بهمن که ضمناً مصادف با آغاز پنجمین سالگرد انقلاب سرد می و ضد امپریالیستی میهن ما بود، آیت الله جنتی عضو قهای شورای نگهبان بازداشت های غیرقانونی و عهد شکنانه چند روز پیش از آنها تأیید کرد و فزون بر آن با لحنی بسیار تهدید آمیز تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران اخطار کرد که "حساب خود شانرا بکنند". انقلاب شکوهمند مردم ایران علیه رژیم دست نشاند شاه با شعارهای استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی که مورد پشتیبانی بیدریغ اکثریت قاطع ملت بود آغاز شد و به پیروزی نهایی رسید.

سرنوشت سه شعار اصلی انقلاب عبرتناکیز است: آزاد نهی سیاسی و اجتماعی را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته و تضمین شده است را با محدودیت های مطبوعاتی و عملی برای حزب ما و بالاخره پیوسته دستگیری مدافعان انقلاب، بخشی از رهبری حزب ما، از محتوی نهی ساختند. بطوریکه دیگر نه آزادی واقعی بیان وجود دارد، نه آزادی واقعی قلم. و نه حتی آزادی اندیشه! آقای بقیه در صفحه ۴.

خجسته یاد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

هفدهم اسفند (هشتم مارس) "روز جهانی زن" است. ۱۲۰ سال پیش در این روز گروهی از زنان کارگر در آمریکا برای گرفتن ابتدای ترین حقوق خود بپا خاستند و در سال ۱۹۱۰، کلارا تسکنین، چهره برجسته جنبش کارگری آلمان، زنی که زندگی خود را وقف مبارزات مردمی کرده، پیشنهاد کرد که برای ایجاد همبستگی میان زنان زحمتکش سراسر دنیا، این روز به عنوان روز جهانی زن تعیین شود. از آن زمان در اکثر کشورهای دنیا، روز هشتم مارس به عنوان روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان، جشن گرفته می شود، و فقط در آن عده از کشورها شرکت دارند. بقیه در صفحه ۵.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

جشن پیامهای زیادی از سوی احزاب و سازمانهای مترقی و دمکراتیک به برگزار کنندگان رسید. از جمله "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین"، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست ترکیه، اتحادیه انجمنهای کارگران ترک در آلمان فدرال (FIDEF)، حزب کمونیست پاکستان، حزب کمونیست هند، کمیته همبستگی فیدامپریالیستی (ASK)، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا (KSSE)، حزب کمونیست عراق، اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان فدرال و برلین. بقیه در صفحه ۸.

آلمان فدرال

در روز شنبه ۱۷ اسفند (۲۶ فوریه) جشن با شکوهی برای گرامی داشت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن از سوی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال در شهر کلن برگزار گردید. در این جشن پیش از ۱۲۰ نفر میهمان ایرانی و خارجی شرکت کردند. بگزارش خبرنگار ما، به مناسبت برگزاری این

فلسفه راهزنی

جهان سوم توجه کنیم
مؤلف سند مینویسد ایالات متحده آمریکا باید نیروی مسلط سیاسی و نظامی در مناطق استراتژیک مهم دنیا نظیر دریای کارائیب، دریای مدیترانه، جنوب آفریقا، اقیانوس آرام، اقیانوس هند و غیره باشد. این امر باید هم بوسیله تشدید حضور نظامی آمریکا، و هم بکند متحدان تحقق پذیرد.

با تقسیم کردن کشورهای در حال رشد به طرفدار و مخالف آمریکا، کنگ پاتریک توصیه میکند که برای تضعیف کشورهای مخالف آمریکا بسایند نقشه‌های همه جانبه برای خرابکاری در امور آنها را در همه زمینه‌ها تهیه کرد. مثلاً در ارتباط با هند وستان که سیاستش بذاق آمریکا، تنها خوشتر نباشد، در نقشه‌های سی-ای-ای حتی تقسیم آن به کشورهای کوچک مستقل پیش بینی شده است. بطوریکه اخیراً روزنامه "پتروت" نوشت ایالات متحده آمریکا عملیات خود را بنظر کشاندن جمهوری هند وستان به مرز بحبهران اقتصادی و سیاسی، دامن زدن به اختلافات مذهبی و تفریب تأیلات جدائی طلبان و پاشیدن تخم نفاق میان هند وستان و دیگر کشورهای در حال رشد بسیار تشدید کرده است. همچنین در نظر گرفته شده که از تمام راهها برای کمک به روی کار آمدن یک دولت دست راستی تمایل به آمریکا استفاده شود.

"بحنوان اهرم فشار بر کشورهای در حال رشد از تهدید به استفاده از نیروی نظامی پیشنهاد استفاده از کمک اقتصادی و نظامی، در اختیار گذاشتن اعتبارات، موانع گمرکی و دادن مواد غذایی و غیره باید بهره گرفته."

"لازم است گروههای بانفوذ تر در کشورهای در حال رشد و همچنین افکار جامعه بین المللی را قانع کرد که هرگونه گزاشی در تکامل اجتماعی کشورهای جهان سوم که مغایر با تجربیات تاریخی، سیاسی و اقتصادی ما باشد با خود خطر تسلط شوروی را به همراه می آورد."

سند منتشر شده باعث واکنش محقانه بسیار منفی در هند وستان گردید. البته همانطور که انتظار میرفت سفارت آمریکا در هند وستان وجود آنرا تکذیب کرد و در پاسخ "لینک" مجبور شد فتوکی صفحه اول آنرا منتشر نماید. اما صحبت بر سر وجود این سند نیست بلکه این اهمیت دارد که سیاست تشریح شده در آن دارد مویو در زندگی پیاده میشود و در این جهت میتوان به واقعیات انکارناپذیر زیادی اشاره کرد.

یکی از آنها "برنامه دموکراسی و دیپلوماسی آشکار" است که همین چندی پیش اعلام شد.

اینکه چنین سیاستی تا چه حد میتواند درد ورن مسامحه باشد مسئله دیگرست. واقعیات نشان میدهد که دوران فسادگری آشکار و بدون مجازات بین المللی مدتها پیش سرپی گردیده است. شاهد بارز آن رویدادهای ویتنام، ایران و دیگر مناطق در دهه گذشته است. سیاست خارجی کنونی واشنگتن که بسوی سست کسردن پایه‌های مناسبات میان کشورها و دخالت خشونت آمیز در امور داخلی دیگر کشورها متوجه است خطری است چندی برای صلح بین المللی و پابین جهت باید شدیداً محکم شود.

این منابع خواهد بود. مانع اصلی در اینجا "ناسیونالیسم اقتصادی" معرفی شده است. دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی کوشش و لشکر نو استقلال را برای دفاع از منابع ثروت‌های طبیعی خود از غارتگری و گذاشتن آنها در خدمت منافع ملی بدینگونه نامگذاری کرده اند. باین ترتیب معلوم میشود که آماج اصلی سیاست واشنگتن نسبت به دولتهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین غارت ثروت‌های ملی آنهاست.

برای دسترسی باین اهداف تکیه عمده بر استفاده از قوه قهریه گذاشته شده است. در سند گفته میشود که استفاده از "قوه قهریه همیشه بخشی از روند تاریخی بوده است و مناسبت از آن بیم داشته باشیم. از منافع آمریکا باید بکند اقدامات قاطع دفاع کرد. اگر ما اطمینان داریم که تدابیر اتخاذ شده برفع ماست، نباید کار را زنیه تمام بگذاریم و به عدم موافقت حتی متحدان اروپائی، چه رسد به کشورهای

حتی در بدترین سالهای "جنگ سرد" هم خود پسندی، بیشرمی، عدم رعایت ابتدائی ترین قواعد احترام و ادب و بی اعتنائی نسبت به حق حاکمیت و منافع دیگر خلقها در سیاست ایالات متحده آمریکا بحدی که اینروزها شاهد آنیم نرسیده بود. همه اینها در سند سری "کنگ پاتریک" که در آن اهداف و وسایل دستیابی به آنها در سیاست کنونی ایالات متحده نسبت به کشورهای در حال رشد بازتاب یافته اخیراً در هفته نامه "لینک" چاپ هند وستان انتشار یافت.

با تاکید بر افزایش نقش مواد خام و منابع انرژی کشورهای در حال رشد برای ایالات متحده آمریکا مؤلف این سند که بنا بنوشته هفته نامه کنگ پاتریک تمایز ایالات متحده در سازمان ملل متحد است اعتقاد دارد که سالهای هشتاد، سالهای رد روشی و درگیری برای دسترسی به

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه تکذیب می کند

UNEF دیده می شود.
بدینوسیله ضمن تکذیب شدید این مسئله، اعلام می کنیم که اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF مرکز چنین فراخوانی امضا نکرده است ما از این فرصت استفاده کرده و موضع خود را که به تصویب شصت و هفتین کنگره UNEF رسیده است اعلام می داریم: "ما فراموش نمی کنیم که خلق ایران شاه را بیرون کرده است. ما موج تسروری را که اکنون رهبران دموکرات ایران را زیر ضربه گرفته است محکوم می کنیم."

حوادث اخیر ایران و آخرین تحولات این کشور این موضع ما را که مورد اکثریت دانشجویان فرانسیسی است و به ما اجازه همگامی با چنین تظاهراتی را نمی دهد، تأیید می کنند. به همین جهت ما اعتراض خود را به کسانی که از آرم و محبوبیت اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF استفاده دروغین و نامشروع می کنند اعلام می داریم.

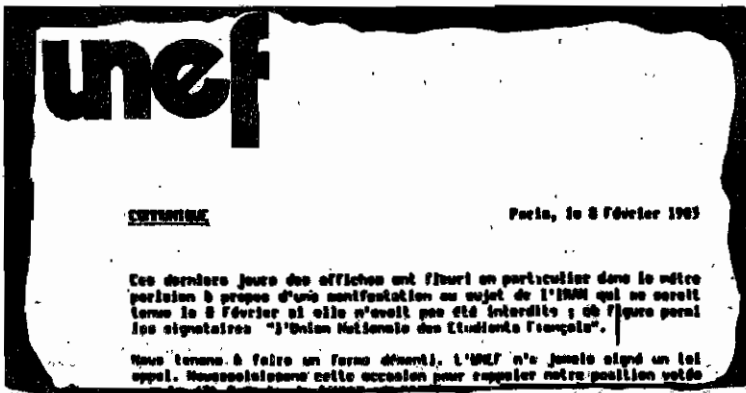
از سوی دیگر، ما جدا امید داریم که جسو خشونت در مورد مسئله ایران که در برخی از مراکز دانشجویی و در کوی دانشگاه به صورت عادی در آمده است، مخاتمه یابد. ما خواستار

اطلاعیه زیر توسط اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (UNEF) در رابطه با اعلام تظاهراتی که قرار بود در تاریخ ۸ فوریه در پاریس توسط ضد انقلاب انجام شود و همچنین در رابطه با سوء استفاده از نام این اتحادیه توسط ضد انقلاب ایرانی، داده شده است.

شایان توجه است که دولت امپریالیستی فرانسه که نقش آن در کمک به صدام و ضد انقلاب پیمطور براندازی رژیم جمهوری اسلامی برای همه روشن است، اجازه خود را برای برگزاری این تظاهرات یک روز قبل از برگزاری آن، هرروز اعلام خیر دستگیری بخشی از رهبران حزب تسوده ایران، پس گرفت!

اطلاعیه

در چند روز گذشته آفیشهایی را جیح تظاهراتی در مورد ایران، بخصوص در متروهای پاریس، پدیدار شده اند. این تظاهرات در صورتیکه ممنوع اعلام نشده بود قرار بود روز ۸ فوریه برگزار شود. در میان امضا کنندگان فراخوان مربوطه نام "اتحادیه ملی دانشجویان فرانسیسی"



از کدام گناهان توبه کنیم؟

بقیه از صفحه ۱

جنتی در همین سخنرانی خود، حتی هنرمندانی را که هنر "غیر اسلامی" بر سر میزنند، تقریباً آشکارا تهدید به اعدام کرد.

حفظ استقلال هم در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب بلافاصله در دست امثال قطب زاده‌ها و مزدبها و بنی صدرها به غرب لڑائی آغازید. و با ایجاد "مناسبات" برادرانه و دوستانه با ترکیه و پاکستان و کارشناسی در مناسبات نزد بختی با دشورهائی که متحدان طبیعی انقلاب ایران است -

شعار "مرگ بر شوری" و مبارزه با "کفر و الحاد" جهان "کار راجحائی" کشاند که مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران ملامت لوت شد. باقی ماند عدالت اجتماعی که آنرا هم فقهای شیوای نگهبان "مخاربا شرع مقدس اسلام" تشخیص دادند. این دیگر تمام هواداران صادق انقلاب هم دارند. بر سر آمد که محافل راستگرا میگویند که کم کم اسلام حامی فارتگران و مستکبران را جانشین اسلام انقلابی مسلط در روزهای انقلاب نمایند. ویداهای اعتراضی، چه از جانب محافل مذهبی و چه غیر مذهبی خفه میکنند.

و اکنون برای مسخران و ناپاکان و انقلاب از حزب توده ایران، سرسخت ترین بیابکر و مدافع منافع توده‌های زحمتکش خلق شروع کرد مانند تا مسلمانان انقلابی مبارز و متعهد که به شعارهای اولیه انقلاب وفادار ماندند. تنها بمانند و سرکشیشان آسان باشد.

آیت الله جنتی در سخنرانی خود با لحنی سرد و آزر به دیگر اعضا و هواداران حزب توده ایران همدار داد که اگر براه خود وفادار بمانند "این ملت و این است مجال زندگی و فرصت به اینجا نخواهد داد."

توده‌ایها طی این چهار سال نشان داده اند که نه علیه انقلاب و ملت و نه علیه اسلام و امت توبه نمیکنند و سبسته همراه آن نیروهای مسلمان مبارز و انقلابی، نه منافسانه اینک قشریها و حجتیه‌ایها عدایشان را در سینه‌ها محبوس کرد مانند، برای تحقق خواسته‌های اولیه انقلاب آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی و تحکیم و سبب جبهه‌های مردمی و ضد امپریالیستی - انقلاب در صفوف مقدم، پیشار کردند و میکنند. این نقشه‌آرایی جنتی و دیگر روحانیون طراز اول هم بخوبی میدانند.

عین گفته‌های آیت الله جنتی در سخنرانی فوق - الذکر بهترین شاهد این مدعا است: "شرقیها دلخوشیهائی داشتند و از بزرگترین دلخوشیها - یشان حزب توده بود. می‌گفتند ما با این عوامل نفوذی که هر جا داریم و با اطلاعاتی که بوسیله آنها کسب میکنیم و با این عضوگیری‌ها و امکانات گوناگون و این حرکت‌های سیاسی که حکومت را تحریک کنیم و شعارهای حزب الهی که بدهان آنها میگذاریم میتوانیم نیرو آماده کنیم که در فرصت مناسب از آن بهره برداری کنیم." این اعترافات ناخواسته‌ایست که نیاز به هیچ گونه تفسیر ندارد راستگرایان ما را به علت دفاع از انقلاب و روشنگری مورد هجوم قرار داد مانند

چرا که از نفوذ روز افزون و اعتبار فراینده حزب ما وحشت داشتند.

تمام فعالیت حزب توده ایران در این سن چهار سال مصروف کمک به حفظ و تحکیم دستاوردهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب و مبارزه با دشمنان آن و توطئه‌گران وابسته به امپریالیسم شده است. چه بسا کمکهای پریمیای حزب ما در کمک به حاکمیت برای رویارویی با برخی توطئه‌نگار خطرناک ضد انقلاب شاه - ساواکی - آمریکایی - سرنوشته ساز بوده است. اعضا و هواداران حزب توده ایران پیرای تجاوز ارتش صدام به میهن ما، بنا به دستور کمیته مرکزی به جبهه‌های جنگ شتافتند و تا کنون درها قربانی تقدیم وطن و انقلاب کرده‌اند.

حزبی که به انقلاب وفادار بوده و برای تحکیم و تثبیت آن اینهمه مبارزه کرده و قربانی داده، چه طور میتواند علیه آن جاسوسی کند؟ آنها برای کشوری که خود پیروزی انقلاب ایران را یک پدیده بسیار پرامنیت و مثبت در زندگی بین المللی بشمار آورده و همیشه با مهر و علاقه فراوان پشتیبان مبارزات حق طلبانه و عادلانه مردم ایران بوده است.

آیت الله جنتی در سخنرانی خود از توده‌ایها خواست که از گذشته‌های خود توبه و استغفار کنند. ولی نفقت کدام گناهان را در نظر دارد؟ ما در اینجا لازم دانستیم بار دیگر آنچه را که می‌توانیم از آنها "توبه" کنیم بشمریم: از خواست برقراری عدالت اجتماعی، احقاق حقوق قانونی، ارگرا، دادن آزادی و برابری به دهقانان، تاسیس بهداشت و درمان و مسکن و آموزش و فرهنگ و البته مبارز برای تمام زحمتکش و فرودستانان نیروی کار در ایران توبه خواهد پذیرد از خواست تامین و تضمین آزادی، سبب، سیاسی و اجتماعی، بشیمنی، غده در قانون اساسی توبه نخواهیم کرد.

از خواست تاسیس استقلال واقعی، ششم و نفتادین محدود در دام توطئه‌های امپریالیسم بین المللی و وابستگی در منطقه توبه نخواهیم کرد. از اسله تمام دارکشان و زحمتکشان و محرومان را در سراسر جهان برطرف از رنگ، پوست، نژاد و عقاید مذهبی، برادر بد نظر میدانیم. توبه نخواهیم کرد. از خواست احقاق حقوق انسانی برای زنان و شناسایی برابری کامل زنان و مردان در تمام زمینه‌ها و مبارزه با کسانیکه زن را خدمتکار و کنیز و "جز" لوازم خانه بحساب میآورند توبه نخواهیم کرد. از مبارزه علیه امپریالیسم و نواستعمار از مبارزه برای آزادی خلقهای آسیا، از مبارزه برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از انفجار فاجعه هستهای توبه نخواهیم کرد.

اکثریت قریب باتفاق مردم مسلمان ایران همچنان خواهان تحقق شعارهای اولیه انقلاب هستند. ما دلیلی نمیبینیم که چرا نباید در کنار برادران و خواهران مسلمان مبارز و انقلابی خود باقی بمانیم و چرا باید به آرمان مقدس خلق خود پشت کنیم؟ آیت الله جنتی، آیا شما از ما میخواهید که از حجت

به محرومان و زحمتکشان جامعه دست بکشیم و تسلیم فارتگران شویم و به آنان دست برداری بدهیم؟ اینکار از ما ساخته نیست. برای ما سرز میان انقلابی و ضد انقلابی از میان موح و ملحد نمیگذرد بلکه وفاداری به آرمانهای خلق زحمتکش و عدالت اجتماعی پیش شرط اصلی است. بنظر ما هر کس در جانب توده‌های زحمتکش خلق باشد، صرف نظر از تمایزات عقیدتی و سیاسی، طرفدار انقلاب و هر که حامی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان باشد، اعم از مسلمان و ناسلمان، معمم و مگلا، با ریشی یا بدون ریش ضد انقلابی است. منطق ما که همانا منطق تاریخ است چنین حکم میکند.

خلاصه کنیم: هجوم به حزب توده ایران ضربه سهمگینی بر وحدت نیروهای انقلابی کشور است و روی سرنوشته انقلاب تاثیر بسیار منفی بجای خواهد گذاشت. مبتکران این توطئه رذیلانه، دست امپریالیسم بین المللی را برای تحقق توطئه برانداز

و یا پیاده کردن نقشه الکساندر هیگ که مسخ و انحراف انقلاب بدست روحانیون محافظه کار باشد باز کردند. تمام کسانیکه آلت دست دشمنان انقلاب شده‌اند و به تحقق نقشه هلاکی شومشان کمک میکنند، مسئولیت سنگینی را در برابر خون شهدای انقلاب و تاریخ خونین میهن عزیز ما ایران بعهده خواهند گرفت.

تا آنجا که مربوط به توده‌ایهاست، ما همچنان در کنار مسلمانان مبارز و انقلابی که اینروزها مانند ما زیر فشارند، باقی خواهیم ماند و از خطوط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دفاع خواهیم کرد و برای تثبیت و تدبیر حکومت واقعی قانون نویسی اقتصادی، مطابق خواسته‌های زحمتکشان توسعه فرهنگ و آموزش و دیگر مسائل میسر کشور از حکومتی که در ریخ نخواهیم کرد. ما فرزندان این مردم و این آب و خاکم و در میان مردم باقی خواهیم ماند.

دلایل دستگیری

بقیه از صفحه ۲
این "توطئه" نسبت داده می‌شود، که از حق مسلم تضمین شده خود در اصل ۲۴ قانون اساسی استفاده کرده و گویا برای "بی اعتبار کردن مسئولین" کوشیده است و مثلا گفته است که: "آقای احمد توکل یکی پیش نویس ضد کارگری برای قانون کار تدوین و تنظیم کرده است" و یا هیئت دولت "اجازه خروج صد هزار تومان جوهر آلات را به "مردم" داده است و این اقدام به نفع زحمتکشان و مستضعفین نیست! او یا خواست هاند از حق مسلم تضمین شده خود در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی استفاده کنند و دست به تشکیل حزب بزنند، کمک کنند، که کارگران از طروق قانونی و انقلابی از "انجمن‌ها و شوراهای اسلامی" خود دفاع کنند و با بند ۲۳ قانون کار زمان طلاغوت مبارزه کنند!
آری، چنین اقد، و آینده هم، پس از اعلام "دلایل محکم" باز هم بیشتر روشن خواهد شد کرده که اتهامات "جاسوسی" و غیره از چه حکمی برخوردارند و چگونه وسیله محدود و لغو حقوق

خجسته باد روز هشتم مارس روزی پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱

زن ایرانی محرومترین محرومان

در میهن ما، زنان همواره قربانی ستم و استثمار نظامهای بهره کش بود هاند. در نظام فئودالی زن از ابتداییترین حقوق انسانی محروم بود، محیط حیانتش از کار طاقت فرسای خانه فراتر نمی رفت و شخصیت او تحقیر می شد. هنوز در اکثر نقاط ایران، مخصوص در مناطق روستایی، بقایای نظام زن ستیز فئودالی باقی و پابرجا است، و زن زحمتکش ایرانی، همچنان از ستم مضاعف رنج می برد. گسترش نظام سرمایه داری، نه تنها نیک بختی

جنبش تنباکو علیه استثمار انگلیس و دربار ناصرالدین شاه، برای نخستین بار شرکت زنان مشهود و موثر بود. پس از آن، در انقلاب مشروطه نیز زنان مبارز فعالانه در نهضت شرکت جستند.

از اوایل دهه ۲۰ تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، زنان ایرانی در مبارزات مردمی علیه استثمار و استبداد، مشارکت روز افزونی داشتند، بخصوص مخفی شدن نفت عرصه ای از مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه زنان ایرانی بود. در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز زنان زحمتکش شرکت جسته و دوشا دوش علیه رژیم کودتا به میدان آمدند.

روشن بود که بدون دفاع از انقلاب و تقویت آن تحقق خواسته های دیگر ممکن نیست. زنان زحمتکش ایرانی را جاهل حقیقت پوستاند.

انقلاب در مقابل زنان وظیفه مند است

رهبر بارها به سهم بزرگ و نقش موثر زنان در انقلاب اشاره کرده اند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در این باره میگویند: «ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مرد»



دان، بلکه جلوتر از آنان در صفا قتال ایستادند.

با سرنگونی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه، نظام جمهوری اسلامی ایران که استقلال آزادی و عدالت اجتماعی را اهداف خویش قرار داده، جایگزین آن گشت. در نوسازی جامعه و بنای یک نظام مردمی و انقلابی نیز، ضرورت مشارکت فعال و وسیع زن ایرانی اجتناب ناپذیر است. بقول امام خمینی:

«ایران بادست مرد تنها درشت نمی شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند.»

اما برای اینکه زن بتواند در حیات اجتماعی و سیاسی کشور نقش خود را ایفا کند، باید حقوق او را به وی بازگرداند، باید شرایط مشارکت زن را در سازماندهی تولید اجتماعی و در اداره سیاسی کشور فراهم کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از اندیشه های امام خمینی و اهداف عالی انقلاب، دولت ها را موظف ساخته که:

«حقوق زن را در تمام جهات ... تضمین نماید ... و زمینه های مساعد رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» را فراهم سازد.

بقیه در صفحه ۱۰

زنان و انقلاب شکوهمند ایران

اما بی شک برای نخستین بار در تاریخ میهن ما، توده های میلیونی زنان قهرمان ایرانی بطور فعال، وسیع و موثر در جریان انقلاب شکوهمند خداستیدادی، ضد امپریالیستی و مردمسی ایران به میدان آمدند. هر چند که در مبارزه علیه دیکتاتوری سیاه محمد رضا شاهی، زنان ایرانی، بخصوص در آخرین سالهای حکومت شاه، شهدای چندی تقدیم مبارزات خلق ایران کردند، اما تردیدی نیست که وسعت و ابعاد مشارکت زنان در جنبش و انقلاب اخیر، بی سابقه است. همه بیاد داریم آن روزهایی را که زنان انقلابی و مبارزه در پیشاپیش صفوف مردم تظاهر کنشده گلوله های آتشین دوشیمان را پذیرا می شدند. و باز بیادمان هست که مادران و همسران و دختران آن، چگونه دوش به دوش مردان در مبارزات انقلابی، بخصوص در نبرد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، شرکت جستند. انقلاب برای زنان زحمتکش ایرانی مانند نوزادی بود که باید آن را تغذیه و تقویت کرد و از شر دشمنان محفوظ داشت. این شوق را می بایست که به جوانی برومند و پر قدرت بدل شود که استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی را برای مردم میهن به ارمغان آورد. بر زنان ما

و رهایی برای زن بارمغان نیارده، بلکه با استثمار نیروی کار زنان و تبدیل آنان به عروسک ها و مهره هایی در ماشین غارتگر سرمایه داری، فشار ظلم و استثمار وارد به زنان ایرانی را تشدید کرد. بقول امام خمینی، در تمام طول تاریخ ایران قبل از انقلاب، «آنقدر جنایات که به زن کرده اند، به مردان نکرده اند.»

زنان زحمتکش ایرانی با گوشت و پوست خود دانه نخب استثمار و ستم سرمایه داری را می چشند و از این رو در کنار برادران خود، قاطعانه و پیگیر از هرگونه اقدامی علیه سرمایه داران بزرگ دفاع می کنند، آنها می دانند که ریشه اصلی درد و رنجی که متحمل می شوند نظام اقتصادی-اجتماعی بهره کشی است که نه تنها آنها، بلکه برادران آنها را نیز استثمار می کند، و بسرای همین مبارزه بخاطر احقاق حقوق خود را جدا از مبارزه مشترک با برادران زحمتکش خود علیه سرمایه داری غارتگر نمی دانند.

زن ایرانی و نهضت های مردمی

در تاریخ معاصر ایران، زنان زحمتکش میهن ما در نهضت ها و انقلابات مردمی نقش فزاینده و رشد یابنده ای ایفا کرده اند. در

"ضرورت"، چه چیز و حشتناکی!

آیت الله مهدوی کتبی، نماینده "واقعبین" سرمایه داران!
 قانون "تنظیم روابط مالک و مستاجر"، که با وجود نقائص آن، نکات مثبتی را نیز در برداشته است، توسط شورای نگهبان منطبق با "موازیین شرعی" شناخته نشد و رد شد.
 یکی از نکات مثبت در قانون فوق الذکر، اجازه ای بود که به دولت داده شده بود تا خانه های خالی نگاه داشته شده را در اختیار بی خانمان ها قرار دهد. همچنین دریافت ودیعه های سنگین دهها هزار تومانی را توسط مالکین ساخته بود.

در مقاله ای، تحت عنوان "حل مسئله مالک و مستاجر در گروهی اقدامات اساسی و بنیادی مسئولان"، که در روزنامه کیهان ۲۶ بهمن چاپ شده است، نویسنده پس از تشریح وضوح اسفناک مستاجرین، به بر شمردن این واقعیت دردناک که "تعداد زیادی خانه خالی در سطح تهران وجود دارد ۰۰۰ تعداد خانه های خالی بسیار زیاد است و می توان گفت که به تعداد تمام مستاجرین (بی خانمان ها) ساکن تهران خانه خالی وجود دارد ۰۰۰ می پردازد و وی برای یافتن راه حل مشکل به رئیس کسب و کار دادگاه های صلح مراجعه می کند. و از اظهارات آیت الله مهدوی کتبی نقل قول می آورد:
 ما در زیر به بیانات این شخصیت جمهوری اسلامی ایران توجه می کنیم.

یک زمانی بنی صدر از سرمایه داران خواست که "با لیخند" یا مشتری ها روبرو شوند و چنان خود را به قیمت عادلانه بفروشند. او می خواست با زبان نرم و با "لیخند ملج" بیهوده سرمایه داران حالی کند، که در غیر این صورت "کوچ نشینان" حق خودشان را از چنگ شما بدر خواهند آورد. این "واقعبین" ای کسه او به منصف ظهور رساند، نه در خدمت کوچ نشینان، بلکه درست برای حفظ حقوق "کساح نشینان" بود. در حالیکه "۰۰۰ رسول اکرم سیرماش این بود که از اول مقاله مبرک با این اشخاصی ("قلدرها، زورگوها، باغدارها، ملک دارها و قافلدارها، که آن وقت مظهر طلافوت بودند") که میخواستند مردم را استثمار کنند، میخواستند مردم را استخدام کنند، (رسول اکرم) بر این (ها) قیام کرد.
 (امام خمینی - سخنرانی در جمع استادان دانشگاه ابریحان بیرونی و پرسنل هواپیما ۵۷/۱۱/۲۷)

در ادامه مقاله روزنامه کیهان، ما با اظهاراتی از آیت الله مهدوی کتبی آشنا می شویم که یکبار دیگر این "واقعبین" در خدمت "ملک دارها" را توسط وی به نمایش گذاشته می شود! روزنامه کیهان می نویسد: وی (مهدوی کتبی) خطاب به مالکان اظهار داشت: "بیائید خانه

های خالی خودتان را اجاره بدهید تا مستاجران صاحب مسکن شوند."

اگر خواننده تصور می کند، که وی این خواست را به عنوان مدافع آنهایی که، به گفته امام خمینی مورد پشتیبانی رسول اکرم (ص) بودند و طایفه "منافع" قلدرها، زورگوها، باغدارها و ملک دارها و قافلدارها ("امام خمینی") بیان کرده است، اشتباه دردناکی می کند.

بهبیج وجه! بهبیج وجه این طور نیست، که بدور آیت الله مهدوی کتبی "یک دسته فقیر" جمع شده باشد، که "هیچ جا ندارد بجز صفت، حیاتی که "اصحاب صفت"، اصحاب پیغمبر هم در همانجا می خوابیدند، (۱) بهبیج وجه اینطور نیست! برعکس در اطراف آیت الله مهدوی کتبی، آنهایی جمع شده اند، که "ملک دار" هستند و تمام نگرانی آیت الله مهدوی کتبی متوجه سر نوشت آنها و "ملک" آنهاست.

توجه کنید، او این نگرانی خود را چگونه بیان می کند و خطری را که ملک "ملک دارها" را مورد خطر قرار داده است، گوشزد می کند. لکن او که از مفاد مطالب بیان شده شنیده می شود، تقریباً ملتسانه است!

او در ادامه جمله فوق، که از مالکان طلب کرد: "بیائید و خانه های خالی خودتان را اجاره بدهید"، ملتسانه اظهار می کند: "اگر اینکار را نکنید، حکم میرسد به مجلس و میگویند ضرورت است ۰۰۰!"
 ("ضرورت" چه چیز و حشتناکی)

وی سپس به توضیح تهدیدی می پردازد، که آنرا به نام "حکم" نامیده است، که بیهوده فرموده امام "و تصویب دو سوم نمایندگان مجلس "ضرورت" اجرا می یابد و دیگر حتی شورای نگهبان هم نمی تواند با آن مخالفت کند و سیر بلا گردد. وی این نکته را چنین توصیف می کند و هندار می دهد: "بخش از افراد میگویند، که باید تمام خانه ها را فرقت و مجلس هم باید تصویب کند، که هر کس هر جا نشسته (آنجا) مال خودش است ۰۰۰ ولی ما (!؟) نمی خواهیم، که این مسأله اجرا شود ۰۰۰!"

ملاحظه می شود! آیت الله مهدوی کتبی، ته به عنوان حامی خانه بدوشان و مستضعفین از مالکان می طلبد، که خانه های خود را اجاره دهند ("بیائید خانه های خالی خودتان را اجاره بدهید")، بلکه به عنوان مدافع "واقعبین" منافع مالکان، که درک کرده است، که اگر "دو سوم نمایندگان مجلس ضرورت" را تشخیص دهند، دیگر کاری از دست شورای نگهبان ("ما"!) هم بر نمی آید!

در دنباله مطلب، مقاله از رئیس کل دادگاه های صلح "درباره مشکلات اجاره نشینی" سوال می کند و وی پاسخ می دهد: "در حال حاضر مشکل اجاره نشینی ۰۰۰ برتارو پیسود

مستضعفان ریشه دوانیده است ۰۰۰" و وی طت را "۰۰۰ نظام اقتصادی غلط رژیم گذشته (می داند) که بر محرومان کشور تحمیل شده است (و هنوز ادامه دارد) و چنانچه در جهت رفع آن چاره اندیشی نشود، به نتایج تلخ و ناگواری خواهد انجامید." "توجه می شود، که رئیس کل دادگاه های صلح" که روزانه "صدها نفر از مستاجران خانه بدوش" بیهوده او مراجعه میکنند، نیز واقعبینی یک انسان متحد را از خود نشان می دهد، و نگران آن است، که اگر عدالت و قسط اسلامی اجرا نشود "نتایج تلخ و ناگواری" را باید انتظار کشید، ولی این نگرانی، نگرانی برای مالکان نیست! او در ادامه سخنانش، به پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازد و اظهار می کند:

"امت مسلمان و متحد ما از یک طرف با اصول قانون اساسی که خونهای هزاران شهید راه حق و حقیقت است، روبروست، که ۰۰۰ داشتن مسکن مناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی می داند (اصل ۳) و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی نظامی است، که هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گسری و سلطه پذیری (۲) را نفی کرده و قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند (اصل اول قسمت ۱) از بند ۱"

کدام خطه، خط دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی و قسط اسلامی و عدالت اجتماعی است؟ آیا در تشخیص شکی باقی است؟

ما در شماره های بعدی درباره تأمین مسکن برای زحمتکشان صحبت خواهیم کرد.

(۱) - "۰۰۰ پیغمبر یک دسته فقیر دور جمع شده بودند، یک دسته بودند، که هیچ جانداشتند، بجز صفت - اصحاب صفت - تسبیوی حیاطی که اسمش را صفت می گفتند. آن وقت آن قدر بی جا بودند، که اصحاب صفت، کسه اصحاب پیغمبر بودند، آنجا هم می خوابیدند ۰۰۰ این بود ۰۰۰ کسانی که دور پیغمبر بودند ۰۰۰"

(۲) - وقتی که شما خودتان مهیا شدید برای اینکه تحت بار ظلم بروید، سبب می شود که ظالم پیدا شود. هر چه بیشتر برای ظلم خضوع کنید، ظالم بیشتر فشار می آورد. وقتی که مهیا بشویم برای جلوگیری از ظالم، ظالم عقب می نشیند، هر چه زیاد تر فشار بیاوریم، او عقب تر می نشیند. اگر شما یک قدم عقب بنشینید، او جلو می آید و اگر شما قدم جلو بروید، او عقب می رود، این است یک سنت الهی.

(امام خمینی - سخنرانی در انجمن اسلامی کارکنان خبرگزاری پارس "روزنامه جمهوری اسلامی" ۵۸/۷/۵)

به یاد دکتر محمد مصدق

تفت آموخت سخن میگویم، زیرا هر چند شرایط کنونی ایران و جهان با آن زمان فرق اساسی دارد لیکن در تاکتیک و سیاست طبقات مرتجع داخلی و امپریالیسم خارجی میتوان جهات مشترکی را یافت که توجه به آنها، ما را از تکرار حوادثی که منجر به شکست جنبش ملی کردن تفت شد، باز میدارد.

جنبش ملی کردن تفت هنگامی به شکست دچار شد که دشمن موفق شده بود با تبلیغات مسموم ضد توده های و ضد شوروی خود بخشش مهمی از بخشهای پینا پینی را بدام خود افکند، و از جنبش جدا سازد و بدین ترتیب نیروهای هوادار جنبش جبهه واحدی نداشتند، در حالیکه دولت های امپریالیستی توانستند با کمک نیروهای مرتجع داخلی جبهه واحدی بر ضد جنبش تشکیل دهند. آنچه به امپریالیست ها در تدارک ارتش سیاسی ضد انقلابی آنها کمک میکرد قبل از هر چیز عدم شناخت عمیق ماهیت امپریالیسم آمریکا - امپریالیسم هارتر و برتر - توسط دکتر مصدق بود. دکتر مصدق موقعی امپریالیسم آمریکا را شناخت که دیگر دیر شده بود.

عدم قاطعیت حکومت ملی دکتر مصدق در اقدامات موثر بنفع توده های مردم عامل دیگری در تضعیف حکومت او بود. این تصور واهی که، بدون تحولات اساسی دکراتیک نبود، توده های زحمتکش در داخل کشور میتوان مبارزه بسا امپریالیست ها را با موفقیت از پیش برد، زمینه را برای منزوی ساختن حکومت ملی دکتر مصدق فراهم ساخت.

" آنها ملی شدن تفت را با حفظ فتودالیسم و سلطنت و با استقرار بهترین مناسبات با آمریکا میخواستند و زمانی که نادرستی تصور ایشان برملا شد و انقلاب با تمام قد در برابرشان ایستاد پس زدند... (تجربه ۲۸ مرداد نوشته ف.م. جوانشیر) اینک نیز امپریالیست ها میکوشند عواملی از تاکتیک گذشته را برای شکست انقلاب ایران بکار گیرند. و مهمترین شیوه کار آنها همان شیوه زمان دکتر مصدق یعنی " خطر کمونیسم " و " خطر شوروی " و " خطر حزب توده " ایران " برای جلب قشر های پینا - پینی به جناح مخالف دولت انقلاب است.

شیوه دیگر امپریالیسم و دستمندان در داخلش همان شیوه کار شکستی در اقدامات قاطع و موثر یعنی (قانون اصلاحات ارضی و ملی کردن بازرگانی خارجی و...) است. هدف از تمام این اقدامات منزوی کردن انقلاب و سرکوب آن و یا پوساندن آن از داخل و مسخ کردن آن است. امپریالیسم آمریکا در سرکوب جنبش ملی کردن تفت توفیق یافت. ما که تجربه دوران دکتر مصدق را در پیش چشم داریم، حق نداریم اشتباهات آن دوره را تکرار کنیم و بار دیگر امپریالیسم را بر کشور از بند زسته خودمان مسلط سازیم.

در پایان میخواهیم بار دیگر شخصیت تاریخی دکتر مصدق را ستایش کنیم و بجا طر بسپاریم که اکنون ما هم که باید در برابر شیطان بزرگ و یاران داخلش متحد شویم و دلیرانه بایستیم و خواهیم ایستاد.

بقدر یکی از اعضای حزب ما زندان نکشیده باشند. از اعداها سخن نمیگویم، زیرا در بین اطرافیان دکتر مصدق، بجز دکتر قاطعی (که مواضعش از همه همکاران دکتر مصدق به حزب ما نزدیکتر بود) کسی را اعدام نکردند، ولی دهنها و صد شا نفر از اعضا " حزب توده " ایران پس از کودتا اعدام شدند. حزب توده ایران تنها حزبی بود که یک لحظه در حفظ و تصحیح سنتهای انقلابی جنبش و مبارزه با امپریالیسم و مبارزه با استبداد سستی بخود راه نداد.

" حزب توده " ایران و انقلاب ترین بخش مصدقی جنبش، گام به گام به هم نزدیک شدند. در سر هر پیچ گروهی از یاران نیمه راه مصدق او را رها کردند و در عوض در هنر لحظه دشوار و قاطع حزب توده " ایران گام تازه ای به سوی مصدق برداشت. ما حکومت مصدق را لایق سه بار از سقوط حتی نجات دادیم و به آنجا رسیدیم که روزهای سرنوشت ساز تیر و مرداد ۱۳۲۲، تقریباً تنها سازمان سیاسی وفادار به حکومت مصدق و ملی شسندن تفت بودیم و در ۲۸ مرداد مطلقاً تنها سازمانی بودیم که لحظه ای مصدق را تنها نگذاشتیم و همه نیروی خود را عرضه کردیم و آمادگی خود را برای دفاع از حکومت مصدق اعلام نمودیم. (رجوع شود به کتاب " تجربه ۲۸ مرداد " نوشته ف.م. جوانشیر، صفحه ۲۲۹) از تجربه ای که میتوان از جنبش ملی کردن

روز ۱۴ اسفند صادق است با در گذشت دکتر محمد مصدق، بزرگمردی که پیروزیها و ناکامیهایش، زندگی و مرگش، با تاریخ معاصر ایران گره خورده است.

امروز تاریخ میتواند بقضاوت بنشیند و آنچه در دستان او نه یک ربع قرن بدرازا کشید مورد ارزیابی قرار دهد و جنبش امروز بایستی درسها و تجربیات جنبش دیروز را مرور کند و از آن بیاموزد.

جنبش بزرگ ملی کردن تفت به رهبری دکتر مصدق قبل از هر چیز بدلیل عدم شناخت درست از دوستان و دشمنان جنبش در سطح ملی و بین المللی با شکست روبرو شد. اما امپریالیست های که دکتر مصدق را سرنگسون کردند و شاه خائن را برگرداند، مردم نشاندند، دوستان و دشمنان خود را خوب می شناختند و با تندی بر دوستان خود گام به گام ستونهای نیرومند جنبش را چون موریا نه از درون سست کردند و بنای پر عظمتی را که طی دو سال بنا همت نیروی عظیمی از مردم ایران برپا شده بود، با یک تکان کوچک فرو ریختند.

شکست دکتر مصدق بیش از آنکه شکست رفیقان نیمه راه و دوستان دشمن خصال او بیا شد، شکست نیروهای مردمی و بیش از همه شکست حزب توده " ایران بود. شاید پس از کودتا، جموعه کسانی که خود را همکار و همزم دکتر مصدق می نامیدند و هنوز می نامند،

چرا غرامت به ژاپن پرداخت میشود

بوده، متأسفانه تا کنون نه تنها قدم مثبتی در این جهت برداشته نشده است، بلکه بنا پرداخت چهل و سه میلیون دلار " غرامت " و با خواش و منت فراوان، چهار سال پس از پیرون راندن مستشاران امریکایی اکنون امپریالیست ها به کمک مستشاران " کوچولوی ژاپنی از پنجره باز میگرددند. سوال این است که این " غرامت " فرامت چیست؟

انطور که خبرگزاری ج.ا.ا. از توکیو گزارش می دهد، این به اصطلاح توافق هیئت ایرانی با مقاطعه کاران ژاپنی " تنها با چهار کمپانی اصلی میباشد و انتظار میرود که بیست و چهار کمپانی کوچکتر نیز تصمیم مشابهی اتخاذ نمایند. این " غرامت " ها و سرمایه خلق زمانسی پرداخت می شود که ضمیمه کارگر انقلابی بسا هشیاری کامل در تافتای از جمهوری اسلامی می تولید که هر چه زود تر به کمک کارگران و مهندسان ایرانی و غیر تشر د پرتی که بدون قید و شرط بقیه کار ساختمان تانیات را به عهده بگیرند، کار تکمیل مجتمع از سر گرفته شود.

ما هفتاد است که مسئله اتمام پروژه پتروشیمی ایران - ژاپن بتأخیر افتاده و با توجه به مسافرت های متعدد دی که مقامات ایرانی به کشور ژاپن داشته اند کماکان ژاپنی ها از ادامه پانزده درصد کار باقی مانده این پروژه سرباز می زنند.

حال بعد از مدت ها خبرگزاری جمهوری اسلا اعلام می کند که:

" مذاکرات ایران و کمپانیهای ژاپنی به نتیجه رسیده " و در واقع در قبال پرداخت چهل و سه میلیون دلار کمپانیهای مقاطعه کار کشور ژاپن عدای مستشارانهم نه برای از سرگیری کار در بندر امام خمینی، بلکه برای اقامت در ساختمانهای زیبای شمال شهر به تهران خواهند فرستاد، تا " مطالعه " کنند که چگونه کار باید ادامه یابد.

با توجه به اینکه مردم ما فقط برای بیسرون کردن چهل هزار مستشار امریکایی بیست و شصت هزار شهید داده اند، در هر آغاز پنجمین سال انقلاب شوکوند کشورمان، که یکی از اهداف آن تأمین استقلال اقتصادی

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

بقیه از صفحه ۱

غربی، رفقای جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، سازمان کارگران جوان سوسیالیست آلمان (SDAY)، اتحادیه دانشجویان فرانکسیت (اسپارتاکوس)، اتحادیه دانشجویان سوسیالیست (SHB)، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست آلمان و بسیاری دیگر از سازمانهای مترقی در پیامهای خود چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را تبریک گفته و نگرانی خود را از خطرانی که انقلاب ایران را تهدید می کند و بخصوص واقعه دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی و نیز جمعی دیگر از اعضا و رهبران حزب توده ایران ابراز داشتند.

در پیامی که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور در این جشن قرائت شد، ضمن اشاره به دستاورد های روزگرد چهارساله انقلاب به امید ها و نگرانی های هواداران استین انقلاب اشاره گردید. (این پیام جداگانه در همین شماره به چاپ رسیده است)

و مقالات استقبال کردند. در چند گوشه سالن محل برگزاری جشن شعارهایی از قبیل "فرخنده باد چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند خلقی و ضد امپریالیستی میهن ما" و "دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است" به چشم می خورد.

میهمان برجسته این جشن رفیق دیرک گروگر نماینده حزب کمونیست آلمان بود که پیام رهبری حزب خود را قرائت کرد. وی با تاکید بر پشتیبانی حزب کمونیست آلمان از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، کمونیسم ستیزی و تودهای ستیزی را آفت خطرناک انقلاب دانست و همبستگی کمونیست های آلمان قدرال بسا رفقای دستگیر شده از رهبری حزب توده ایران را اعلام کرد. سخنان وی با استقبال شدید میهمانان جشن روبرو شد.

برای اکثر میهمانان جشن فیلم مصاحبه رفیق نورالدین کیانوری جالب ترین بخش برنامه بود. این مصاحبه با وجود اینکه در آبان ماه ۱۳۵۹

چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در لندن

روز شنبه ۲۳ بهمن ماه جاری در یک نمایش با شکوه همسنگی چهارمین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در لندن برگزار گردید. این مراسم که بیش از چهارصد تن از دوستداران و مدافعان انقلاب از کشورهای مختلف در آن شرکت داشتند بوسیله هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا ترتیب داده شده بود و در آن علاوه بر برنامه های متنوع هنری دهها پیام پشتیبانی از انقلاب و همسنگی با خلقهای ایران در تالارشان جهت تدایم و تعمیق انقلاب قرائت گردید. در تمامی این پیام ها ضمن پشتیبانی از انقلاب از خط مردمی و ضد امپریالیستی در حاکمیت در مقابل راسگرا و مسی کنده دفاع



شده و اقدام اخیر راستگرایان در دستگیری رهبران حزبی و از جمله رفیق نورالدین کیانوری را قدمی در مسخ کردن ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دانستند و خواستار آزادی و ادامه فعالیت انقلابی حزب توده ایران شدند.

در پیام مشترک برگزار کنندگان جشن، ضمن تحلیل جریانات اخیر، دستگیری رفیق کیانوری و دیگر اعضا، کمته، مرکزی حزب توده ایران به مثابه نقطه عطفی در پرورش همه جانبه راستگرایان به انقلاب و دستاورد های گرانقدر آن ارزیابی شد. هدف توطئه عظیمی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و با کمک کشورهای مرتجع منطقه و ضد انقلابیون داخلی و راستگرایان طرح ریزی شده است، براندازی انقلاب با توده قهریه می باشد، که سرکوب حزب توده ایران و سپس نیروهای مؤمن به خط امام اولین مرحله آن می باشد. بنابراین تلاش برای آزادی رفقای

بقیه در صفحه ۹

انجام گرفته بود، حاوی نکات بسیار مهمی درباره مواضع حزب توده ایران بود که اهمیت خود را همچنان پس از دو سال حفظ کرده است. از جمله هنگامی که از رفیق کیانوری پرسیده شد که آیا پشتیبانی یک حزب مارکسیستی از یک انقلاب زیر پرچم مذاهب امکان پذیر است، رفیق کیانوری به تشریح سیاست اصولی، علمی و انقلابی حزب توده ایران مبنی بر پشتیبانی از آماجهای استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت خواهانه که مسلمانان مبارز فراروی خود قرار داد مانده پرداخت و در پاسخ پرسشی درباره نقش حزب توده ایران در تحولات کشور، پاسخ تاثیر روشنگرانه و افشاگرانه فعالیت حزب توده ایران اشاره نمود و حزب را وزنه ای مهم در عرصه سیاست کشور دانست.

در برنامه هنری جشن بخصوص سرود های کهنه کهن و هنرهای های یک گروه رقص ملی توجه حضار را بخود جلب نمودند.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان قدرال در مقاله ای که در جشن خوانده شده به سبلی مختلف انقلاب ایران و موقعیتی که اکنون انقلاب در آن بسر می برد و خطراتی که آن را تهدید می کند اشاره کردند و با تجلیل از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی، نگرانی خود را از واقعه دستگیری جمعی از رهبران و اعضا حزب توده ایران بیان داشتند.

شعار اصلی جشن "دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است" بود و در پیامها و مقالاتی که در جشن خوانده شد، پیوند تنگاتنگ دفاع از حزب توده ایران و دفاع از انقلاب مورد اشاره قرار گرفت. در طول جشن نیز شرکت کنندگان با رهاها شعار "مرگ بر آمریکا" و "درد بر سرکمیته" و "مرکز حزب توده" و "زنده باد همبستگی بین المللی" از پیامها

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق...

بقیه از صفحه ۸

رهبری حزب توده ایران و پشتیبانی از انقلاب ایران و نیروهای خط امام از فوریت‌ترین ضروریات است.

از طرف اعضا، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست فلسطین، یونان، بریتانیا و عراق پیام هائی به جلسه رسیده که خوانده شد. آنها همگی باز داشت رفتاری هیریز حزب را خلاف منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما دانسته و آنرا به نفع نیروهای راستگرا ارزیابی کردند.

ما در زیر قسمتهائی از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی و انگلستان را ذکر می‌کنیم.

در پیامی که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی با امضا رفیق یوسف داد و رئیس حزب به سازمان حزب توده ایران در بریتانیا ارسال شد از جمله می‌خوانیم:

"کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای

جنوبی گرم‌ترین درودهای انقلابی خود را به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب مردمی ایران، انقلابی که به هر یکی از پایگاههای محسوف امپریالیسم و ارتجاع پایان داد به حزب توده ایران در بریتانیا و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا تقدیم میدارد.

در قسمت دیگر پیام بعد از بر شمردن مشکلاتی که امپریالیسم بر سر راه تحقق انقلاب ایجساد می‌کند می‌نویسد: "حزب توده ایران خود نیز زمان سختی را از سر می‌گذراند و ما امید داریم که آنهایی که اخیرا دستگیر شده‌اند از

بقیه در صفحه ۱۴

ما این پرچم افراشته را به زمین نخواهیم گذاشت

پیامی که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور در جشن چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن قرائت شده

دوستان و رفقای عزیز،
میهمانان گرامی!

چهارمین سالگرد انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را، ما تودم‌های ما تمام مدافعان واقعی اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب از یک سو با خوشحالی و از سوی دیگر با نگرانی برگزار می‌کنیم.

با خوشحالی که این انقلاب ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی به عمر رژیم گندیده سلطنتی پایان داد، پیمان سنتو امپریالیسم ساخته را برانداخت، ۵۰۰۰۰ مستشار نظامی آمریکایی را احراج کرد و سرمایه‌فارت شده در دست چپالگران سلطنتی و مزدورانشان را ملی کرد. با خوشحالی که این انقلاب به خلق ایثارگر اهرم قدرت خود راه، که اتحاد زحمتکشان شهر و ده پایه و ستون قزاق آن است، نشان داد اهرمی که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل حملات دشمنان و ادامه و تعمیق انقلاب نقش تعیین کننده ایفا کرده و در آینده هم ایضا خواهد کرد.

با خوشحالی از آن که خلق و در درون آن تودم‌های ما و فدائیان خلق (اکثریت)، تنوا نسبتا از خود گذشته‌گی توطئه‌های متحد ضد امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا و به ویژه تجاوز نظامی عراق به ایران را و همچنین دسائس ضد انقلاب خارجی و داخلی را در چهار سال گذشته به طر کلی افشا و خنثی سازد.

نگرانی ما تودم‌های ما و دیگر مدافعان را - ستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین احزاب کمونیستی و کارگری، سازمانها و نیروهای مرفقی و پیشرو و صلحدوست کشورهای دیگر و جنبش‌های آزاد - بیخوش و کشورهای مستقل و ضد امپریالیست و در پیشاپیش آن اردوگاه سوسیالیستی، در آغاز سال پنجم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما متوجه توطئه وسیع و خطرناکی است، که علیه

انقلاب عظیم مردم میهن ما توسط امپریالیسم و ارتجاع جهانی تدارک شده است و به دست نیروهای راستگرا و واپس‌نگر که در ایران در انجمن حجتیه متمرکز شده‌اند، تکوین می‌یابد.

نگرانی ما تودم‌های ما و دیگر مدافعان را - ستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و آزاد - یخواهانه مردم میهن ما متوجه بیرش ناجوانمردانه و قانون شکنانه‌ای است، که امپریالیسم و دشمنان انقلاب به حزب توده ایران - ایسران، حزب طبقه کارگر ایران و از این طریق به کل انقلاب و دستاوردهای آن بردماند، جز - بی که طی چهل و یک سال مبارزه بی‌امان بسا امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا با استبداد سلطنتی، با کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران برای تامین استقلال کشور، آزادی و عدالت اجتماعی، هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان به دوش کشیده، جزیی که با تمام قوا و امکانات در انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ / فوریه ۱۹۷۹ / شرکت جستند و در حفظ و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی این انقلاب نقش فعال و موثری داشته است. (از اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره بازداشت‌های اخیر، ۱۸ بهمن ۱۳۶۱، فوریه ۱۹۸۲)

نگرانی ما تودم‌های ما و دیگر مدافعان را - ستین انقلاب متوجه خطر جدی‌ای است، که جان بخشی از رهبران بازداشت شده حزب توده ایران، این فرزندان فداکار خلق و مدافعان پیگیر منافع طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان ایران را مورد تهدید قرار داده است دوستان و رفقا!

جان رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیقی که تمامی عمر آگاهانه خود را در راه خدمت به خلق های ایران و دفاع از منافع طبقه کارگر ایران و صلح و دوستی بین خلق های جهان گذرانده است و در دوران رژیم شاه به همین خاطر به زندان افکنده شد و غیابا به "جرم جاسوسی" به اعدام محکوم شده بود، در خطر است! رفیقی که، همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز آمده است، "از برجسته ترین طراحان و سازمان

د هندگان بیکار طبقه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه معدوم و دشمنان انقلاب ایران و از مدافعين استوار روحانیت مبارز و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی بوده و اعلام کرده است، که اگر از روی نعلش ما هم بگذرند، ما به تعهدی که در دفاع از اهداف ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد سرمایه داری، ضد فئودالیسم و آزاد یخواهانه خط امام کردیم پایبند خواهیم ماند، اهدافی که خلق انقلابی با ایثار جان خود آنها را بر روی پرچم خونین انقلاب حاکم کرده است. ما این پرچم افراشته را به زمین نخواهیم گذاشت."

دوستان، رفقا!

جان فرزندان راستین طبقه کارگر قهرمان ایران از جمله رفقای که ۲۵ سال و بیشتر در زندان های شاه، همانند دو تسخیر ناپذیر مقاومت کرد مانده و اکنون با همان اتهام واهی "جاسوسی" دوباره به زندان افکنده شده‌اند، یکبار دیگر در خطر است. به این فاشقان استقلال آزادی و عدالت اجتماعی برای ایران و زحمتکشان ایران اتهام ناروا و دروغین و امپریالیسم ساخته "جاسوسی و جعل اسناد" وارد می‌کنند. اتهامی که خود افشا کننده فقر اتهام زنان و بیان کننده سیاست روشن، طمی و آینده نگر حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است.

من از این تریبون به نام تمام رفقای جزیسی و به نام تمام هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران آزادی فوری و بدون قید و شرط ایستادن فرزندان فداکار خلق را خواستارم و می‌طلبم که حق فعالیت قانونی سیاسی و آزادی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محترم شمرده شود و بسته تظییقات اعمال شده علیه حزب ما و سازمان فدائیان پایان داده شود.

(دست زدن طولانی حضار)

میهمانان گرامی، دوستان و رفقای عزیز! برای حضور وسیع شما در مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهنان و به ویژه برای پشتیبانی شما از خواست های ما، تشکر می‌کنم.

خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان! بقیه از صفحه ۵

قوای سه گانه برای احیای حقوق زنان چه کرده اند؟

اما متأسفانه علیرغم این تاکیدات و تصریحات رهبر انقلاب و قانون اساسی، تا کنون قوای مجریه مقننه و قضائیه در زمینه احقاق حقوق زنان زحمتکش و رسیدگی به حقوق آنان کار زیسادی انجام ندادند.

همان عواملی که باعث شده در لوائح و قوانین انقلابی نظیر اصلاحات ارضی، دولتی کردن بایز رگانی خارجی و ... در پیچ و خم ارگانهایی که راستگرایان و مخالفین تعمیق انقلاب در آن نفوذ دارند متوقف بماند، همان عواملی که از سمت گیری نهایی انقلاب بسود زحمتکشان و مستضعفین تا بحال جلوگیری کرده اند، همان عوامل مانع از آنند که خواستههای بحق زنان، حقوق مسلم آنها تامین شود.

دولت که وظیفه دار تسلیم لوائح و طرح های انقلابی در همه زمینه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به مجلس است تا سلطه انقلابی در همه زمینه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را بر جامعه درهم شکنند، هنوز گامی اساسی در جهت الغاء قوانین طاغوتی در این زمینه (از جمله مواد زن ستیز قانون مدنی مصوب دوره رضا خان) برنداشته است. قوه مقننه نیز در این زمینه کوتاهی داشته است. مجلس شورای اسلامی، که بگفته حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، "خانسنه مستضعفان جهان است" والیته قبل از همه باید خانه و ما من مستضعفان میهن ما باشد، در تشکیل کمیسیون ویژه بررسی سالی زنان و خانواده و نیز ابتکار در تدوین صرح های انقلابی در این زمینه تصور کرده است. قوه قضائیه نیز که باید حمایت قانون از زنان را تحقق بخشد نه تنها اقدام مثبتی در این زمینه انجام نداده است، بلکه عملاً در میان قضاوت و مسئولین دادگستری، گرایش نیرومندی به نقض برابری حقوق زن و مرد وجود دارد. بختوان مثال رئیس دادگاه های مدنی خاص، درباره حق طلاق انحصاری مرد معتقد است که:

"اصولاً طلاق دست مرد است و از ایقات است، یعنی میخه طلاق یک طرفه است." این گرایش در دو سه سال اخیر باعث رواج بیشتر پدیده ناپسند چند همسری است که در توجیه آن رئیس دادگاه های مدنی خاص می گوید:

"خیلی از زنان، داشتن "هو" را بخشی از زندگی عادی زنانه خود می دانند و کار بجایی کشیده است که خانم مریم بهروزی، نماینده مجلس شورای اسلامی، می گوید:

"دختران در ازدواج مصونیت خانوادگی ندارند."

نقض حقوق زنان، عرصه ترک تازی ناراضی ترانشان

در آغاز پنجمین سال انقلاب، دست هایی

در کار آنند که با ایجاد دشواری های گوناگون در شرایط کار و زندگی زنان، این نیروی عظیم را دچار یاس و سرخوردگی سازند و آنها را به ثمرات انقلاب بد بین کنند.

عناصر قشری الیبرال ها، افراد مشکوک و وابسته به رژیم پیشین، زیر پوشش دفاع دروغین از اسلام، تفسیقات بیشماری نسبت به زنان روا می دارند. علاوه بر صدور احکام ظالمانه درباره دعاوی خانوادگی، شرایط کار زنان شاغل نیز تاسف آور و عاصی کننده است. در شرایطی که برای بازسازی میهن انقلابی و بی ریزی اقتصاد ملی و مستقل خود، به نیروی تلاش و خلاقیت تعلم شهروندان، اعم از زن و مرد، نیاز داریم، عده ای سعی دارند تا زنان را به خانه ها بفرستند و آنان را از فعالیت در عرصه فرهنگ، آموزش و بهداشت، تولید و خدمات دور کنند.

کارفرمایان و مدیران طاغوتی کمبود مواد خام و قطعات یدکی را بهانه قرار دادند، تا بسیاری از کارگران زن را اخراج کنند. دشمنان آگاه

حقوق گروه و پایه قائل شده و در صدد تثبیت قانونی آن است. جای دارد که این قدم مثبت به سایر موسسات و ادارات تعمیم یابد.

داوطلبان دختر را از تحصیل در رشته های کشاورزی و منابع طبیعی، داروسازی، معدن، ذوب فلز و بسیاری دیگر از رشته های فنی و صنعتی به بهانه "شاق بودن" کار محروم کرده اند، در حالیکه فی المثل در ده های پایین رشته کشاورزی، که کار آن بسیار شاق تر از کار مهندسی کشاورزی است، زنان به کار اشتغال دارند، و کسی هم بغیر نجات دادن زن زحمتکش کیلانی از کارضاق فرسای کاشتن برنج در شا لیزارها با پای برهنه نیست!

و تعمیق آن دفاع می کند زنان زحمتکش از انقلاب

اما علیرغم تفسیقات فراوانی که علیه زنان زحمتکش اعمال می شود، آنها در کنار برداران خود



و دوستان ناآگاه، جمعی از زنان آموزگار و دبیر در کرانه های انقلابی را در جریان پاکسازی ها منصل کردند و در سایر وزارت خانه ها و موسسات دولتی، بخشی از زنان کارمند مومن به انقلاب اخراج، بازتست و یا باز خرید شده اند.

زنان شاغلی که از صافی "پاکسازی" هسا گذشته و ظاهراً در مشاغل خود تثبیت شده اند، همواره در محیط کار در معرض برخورد ها، شامت ها و تفسیقات قرار دارند.

تعداد مهد کودک ها، که بسیار ناچیز بود، ناچیز تر شده است، تا مادران کارگر و کارمند مجبور به ترك شغل شوند. وزارت آموزش و پرورش، در شرایطی که به قول خود به ۴۷ هزار معلم نیاز دارد، این حق را برای خود قائل است، تا مادران ساغل را پس از سپری شدن مرخصی دوران زایمان، از کار اخراج کنند. (البته در این زمینه "کمیسیون خدمات" هیئت دولت بگفته حجت الاسلام ازهای وزیر بهزیستی، در این زمینه گام مثبتی برداشته و برای بانوان شاغل در ادار آموزشی، یک سال مرخصی با استفاده از

خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱۰

زحمتکش میهن ما در کنار مردان زحمتکش و انقلابی برای محو همه آثار ستم حکومت طاغوتی از همان روز پیروزی انقلاب آغاز شد. زنان زحمتکش مسا باید در این مبارزه هم از انقلاب دفاع می کردند، هم خواهان تامین خواسته های مردم زحمتکش و غارت شده میهن می شدند و هم برای پایمان دادن به محرومیت ها و تبعیض های ناروای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که گریبان آنان را به عنوان "زن" یعنی انسان درجه دوم گرفته بود، تلاش می کردند.

زنان زحمتکش فعالان در نبرد طبقاتی شرکت می کنند

نبرد طبقاتی حادی که در تمام عرصه های حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن مسا جریان دارد، تعیین کننده سر نوشت کسب انقلاب و از جمله سر نوشت زنان مبارز و زحمتکشی است که با امید ها و خواسته های بحق، در انقلاب شرکت کردند و از آن همچنان دفاع می کنند. این واقعیت را زنان زحمتکش و انقلابی میهن ما دریا فتانند. زنان زحمتکش از اولین کسانی هستند که تاثیر سو ملکرد جنسناح راستگرای مخالف تحمق انقلاب را با پوست و گوشت خود احساس می کنند، زیرا نبرد در عرصه های اقتصادی و اجتماعی مستقیما در زندگی روزمره آنها تاثیر دارد. آن زن زحمتکشی که باید با چند رغاز خرجی خانه، خوراک و پوشاک خانواده را تامین کند، اولین کسی است که اثرات احتکار و گرانفروشی تروریستهای اقتصادی را حس می کند. زنان زحمتکش روستایی که نیروی کارشان بی رحمانه توسط بزرگ مالکین استثمار می شود بخوبی معنی "سند مالکیت، پینه دست زار میهن" است را می فهمند و می طلبند که زمین از مالک غارتگر گرفته شده و به کسی داده شود که روی آن کار می کند.

برای همین، زنان دوشادوش برادران و همسران خود در نبرد طبقاتی حادی که اکنون در میهن ما جریان دارد شرکت می کنند و در عین دفاع از انقلاب، در عرصه های مختلف، بدفاع از حقوق حقه خود که جدا از منافس و حقوق برادران زحمتکششان نیست برخاسته اند.

زنان کارگر و پیش نویس ضد کارگری توکلی و شرکاء

در عرصه تلاش گسترده به منظور ناراضی کردن و مایوس کردن کارگران و زحمتکشان از انقلاب، مسئولین کارگر ستیز وزارت کار گسیوی سبقت را از همه ربود ماند. در پیش نویس قانون کار دستخست توکلی - معتمد رضایی - لاریجانی، کوچکترین توجهی به حقوق زنان کارگر نشده است. هیچ فکری به حال زنان و امنیت شغلی و بیمه های اجتماعی برای آنها نشده است. "خدیجه" کارگر حمام، درباره دردها

و مشکلات خود می گوید:

"ده سال پیش ازدواج کردم. سه سال پیش شوهرم مرا با دو بچه گذاشت و رفت. برای امرار معاش آدم کارگر حمام شدم. روزی ۳۰ تومان مزد می گیرم. تحطیلی هم ندارم. شب ها در حمام می خوابم. حدود ده ماه پیش شوهرم چند روزی برگشت و دوباره رفت. من آبیستن شدم و یک ماه پیش، شب، دردم شروع شنید. چون صاحب حمام شب ها در را قفل می کند و می رود، نتوانستم به جایی بروم و جلو چشم د و بچام، که یکی نه سال و دیگری چهارساله است، بچه را که مرده بود به دنیا آوردم. خونم بند ناقص را چیدم و با تمام دردی که داشتمم روز بعد رفتیم بهشت زهرا و بچه را خاک کردم. روز بعد از آن هم کارم را شروع کردم. شما به این می گوید زندگی؟ اگر بسه خاطر بچه هایم نبود، خودم را می کشتم و از این زندگی راحت می شدم."

"خدیجه" درباره قانون کار می گوید: "قانون کار باید برای من باشد، نه صاحب حمام". اما همه میدانیم که قانون کار آقای توکلی، نه قانون کار "خدیجه" ها، بلکه قانون کاری برای صاحب حمام ها است، قانونی است در خدمت سرمایه داران غارتگر، که کارگران و بخصوص کارگران زن را، آسوده و با خیال راحت و در پناه "قانون"، استعمار کنند.

سال گذشته سال جنبش و مسیح اعتراض کارگر. آن علیه سیاست کارگر ستیز وزارت کار و بخصوص پیش نویس ضد کارگری وزیر و معاونین بود. در این جنبش، کارگران زن، دوشادوش برادران شان شرکت کردند و به تادیده گرفته شدن ابتدایی ترین حقوقشان، چون مرخصی زایمان، در پیش نویس اعتراض کردند.

از جمله زنان کارگر قالیباف ترکمن، صحرسا، در نامه ای با پیش از ۱۰۰ امضا، پیش نویس را مردود دانسته و خواستار قانون کاری منطبق با بر قانون اساسی شد. زنان کارگرداروشی "لپتی" و "مالی بیل" در نامه های اعتراضی پیش نویس آقای توکلی را رد کردند. زنان کارگر پاساژ شانزه لیزه "در طومار خود خواهان حقوق برابر برای زن و مرد کارگر شده و همچنین خواهان در نظر گرفتن شرایط خاص زنان کارگر در قانون کار شدند. در مجامع کارگری نیز زنان کارگر به پیش نویس اعتراض کردند. از جمله باید استدلالات محکم و بیاد ماندنی خاننسم عقیقی در سمینار دخانیات و سخنان زنان کارگر اصفهان نام برد.

این همه گوشه هایی است از شرکت فعالان زنان کارگر در جنبش اعتراض علیه پیش نویس توکلی.

زنان دوسنگر تولید

پس از انقلاب زنان زحمتکش ایرانی، بد اکانه و ایثار گرانه در جبهه تولید، در جبهه سازندگی و کمک به جبهه های جنگ شرکت کردند و از این طریق افزایش چشمگیر آگاهی سیاسی خود را ب معرض نمایش گذاشتند.

بعنوان مثال، زنان کارگر کارخانه "وضن" اصفهان در کنار برادران کارگیشان با تسلیح خود ۱۰/۵ درصد بر تولید کارخانه افزودند. زنان کارخانه کش "گنجه" در رودبار نیس نزد یک به یک ماه است که هر روز چند ساعت اضافه کار می کنند. زنان کارخانه "ری او" واک یک روز حقوق خود را در ماه به دولت می دهند.

این همه در حالی است که ضد انقلاب چه از طریق نازاضی تراشان لیبرال، خجسته ای و قشری و چه با ماسک "چپ" کوشیده است. تضعیفات زنان زحمتکش را از یک سو دانسا افزایش دهد و از سوی دیگر آنها را به رویارویی با انقلاب و حاکمیت بکشانند. زنان زحمتکش همچون برادران خود در مقابل این تضعیفات پایدار کرده و تولید را "به کوری چشم آمریکا و نفاقه های" (بقول زنان کارگر کارخانه "وطن" اصفهان بالا می برند).

زنان و تشکل های کارگری

پدیده بسیار مثبتی که در میان توده های میلیونی زنان زحمتکش ایرانی در حال رشد است افزایش آگاهی سیاسی و انقلابی آنها و شرکت فعالانه تر و چشمگیر ترشان در تشکلهای توده های و صنفی است. با اینکه سالیان دراز، جامعه تبلیغ شده است که "عقل زن به این چیزها قد نمی دهد"، زنان کارگر بخصوص در یکی دو سال اخیر ثابت کرده اند که بهمان اندازه برادران کارگیشان می توانند در تشکلهای کارگری موثر باشند.

بطور مثال، در کارخانه جواربافی "سنگر" در انتخابات تعاونی مصرف، صندوق قسرسر - الحسته و "هیئت نمایندگی"، ۲۰ نفر کارگوزن و ۱۰ نفر کارمند زن در بین انتخاب شدگان بودند. آنها از بد و انتخاب در کنار وظایف عمومی شان که نمایندگی از جانب کارگران است مسایل ویژه زنان را در تشکلهای پیگیری می کنند. در کارخانه "صنایع بسته بندی" نیس در انتخابات تعاونی مصرف یکی از زنان کارخانه طبرقم مخالفت تدهای با فعالیت او نفر چهارم شدند.

زنان زحمتکش نیز چون برادران خود بسه عرصه دفاع مشکل از حقوق خود بشا به عرصه ای برای دفاع از انقلاب و تمهق آن می نگرند و شرکت در تشکلهای صنفی و سازمانهای توده ای را، وظیفه انقلابی خویش می دانند.

زنان زحمتکش روستایی و عشایر

با این که مشکلات زنان روستایی رنجیدنده و محروم میهن ما یکی دو تا نیست و آنان هم باید به امور خانه رسیدگی کنند و هم در مزرعه کار کنند، با این همه با جان و دل وظیفه حفاظت و تقویت انقلاب و آباد بنای میهن طاغوت زده را به عهده گرفتند. شرکت فعال و گسترده زنان مبارز روستایی بقیه در صفحه ۱۵

مسئولین مملکتی به سوال "آفتی که انقلاب اسلامی را تهدید می کند چیست و روش های مبارزه با آن کدامند" درج شده است. از جمله آقای کیومرث صابری مشاور فرهنگی رئیس جمهوری می گوید:

"خطرناک ترین دشمن انقلاب ما، امپریالیسم آمریکا است. آمریکا از این جهت "شیطان بزرگ" است که سرمنشا همه معاصی و مفاسد است. آمریکا ماهیتا دشمن همه مستضعفان و استقلال جویان و آزادی خواران عالم است. آمریکا سنگ هاری است که گروه های ضد انقلاب از پستانش شیر می نوشند. . . . خوشبختانه ملت ما کانون خطرو آفت را شناخته است. . . . هر جا که غفلت کنیم ضربه را از آمریکا خورد ما بم خیار اینک آمریکا انقلاب اسلامی را به حال خود رها کرده، خیال خام و باطلی است. . . . حیات امپریالیسم از راه چپاول و غارت کشورهای دیگر تامين و تضمین می شود و انقلاب اسلامی ایران شیوه قطع شریان حیاتی این انگل و تجاوز جهانی را کشف کرده است. . . . بنابراین این مبارزه با این دشمن بزرگ باید به طور مستمر، قاطع و عملی و بدون تعطیل ادامه یابد. شعار مرگ بر آمریکا باید در عمل پیاده شود."

آقای صابری به دنبال سخن خود در این زمینه می افزاید:

"با همه اهمیتی که خطر آمریکا برای انقلاب اسلامی دارد، آفت و خطر اصلی انقلاب اسلامی در خود ما است؛ خطر اصلی در اینجا است که عملکرد خودمان به انقلاب ضربه بزند. . . . آقای فواد کریمی نمایندۀ مجلس شورای اسلامی نیز می گوید:

"خطر و آفتی که پیش از همه چیز در انقلاب احساس می شود، خطر و آفتی است که در درون خود جریان های اسلامی انقلاب ممکن است رشد بکنند، یعنی جریاناتی به نام جریان های اسلامی بوجود بیایند و نخواهند رهبری امام و خست امام را کنار بزنند و خود به نام جریان اسلامی، حاکم بر جریان اصلی اسلامی خط امام شوند. . . . موضعگیری های اخیر چهره های برجسته خط امامی نشان می دهد که این حقیقت پیش از پیش رخ می نماید که مبارزه با امپریالیسم آمریکا جدا از مبارزه علیه پایگاه داخلی آن، یعنی همان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و مدافعین "اسلام پناه" و "مقدس مآب" آن نیست."

نبرد برای

"تحقق حکومت مستضعفان"

در ویژه نامه روزنامه اطلاعات برای پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی "جمعی از شخصیت های جمهوری اسلامی ایران، نقطه نظرات خود را درباره چگونگی "تحقق حکومت مستضعفان" بیان کرده اند. آقای فواد کریمی در این باره می گوید:

"در رابطه با محرومین و مستضعفین از اول انقلاب تا حالا شعار به نفع مستضعفین زیاد داده ایم، اما نسبت عطفان یا شعارمان نمی خورد. . . . باید برای رسیدگی به وضع محرومین بقیه در صفحه ۱۲

یک جبهه، واحد کشورهای در حال رشد که علیه منافع آمریکا موضع دارند، جلوگیری کرد. . . . بدین منظور باید این کشورها را طرد کرد، تجارت فشار قرار داد و بر علیه هم برانگیخت. . . . این تلاشهای آمریکا دقیقاً متوجه جلوگیری از برداشتن ختن کنفرانس به مسئله اصلی آن، یعنی محکوم کردن سیاست جنگ افروزان آمریکا در منطقه خاور میانه و نزد یک است."

واقعیت این است که آمریکا با ایجاد سپاه "واکنش سریع" و ایجاد مرکز فرماندهی آن در جزیره "دیه کوگارسیا"، سرازیر کردن سیل اسلحه هم به اسرائیل صهیونیستی و هم به کشورهای مرتجع عربی، تدارک نقشه های تجاوزکارانه علیه لیبی، سوریه، ایران و افغانستان جو منطقه را متشنج کرده است. کشورهای مترقی منطقه می توانند و باید با تحکیم وحدت صفوف خود به مقابله این تلاشهای تجاوزکارانه برخیزند. ایران انقلابی، افغانستان انقلابی، هند، سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک با تفاق سایر کشورهای ضد امپریالیست جنبش عدم تعهد باید از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در زمینه صلح و خلع سلاح حمایت نمایند.

از پیشنهاد غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند پشتیبانی کنند. . . . توطئه های نظامی امپریالیسم آمریکا را قاطعانه محکوم کنند. . . . از مبارزه "خلق فلسطین برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی پشتیبانی و سیاست کشورگشایانه اسرائیل صهیونیست را محکوم سازند."

جنگ اعلام نشده امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی و رژیم های مرتجع علیه دولت افغانستان را محکوم کنند. . . . جواهر لعل نهرو از همان بدو تاسیس جنبش عدم تعهد، بر این نکته تاکید می کرد که عدم تعهد به معنای "خنثی بودن" و "بی طرف بودن" در مبارزه دوران ساز علی بنه امپریالیسم نیست، بلکه وسیله ای است برای دنبال کردن اهداف ملی و ترقی خواهانه. جادارد این نکته بانهایی که می خواهند جنبش عدم تعهد را جنبشی علیه "دو ابر قدرت" قلمداد کنند گوشزد کرد."

جنبش عدم تعهد نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا می کند، و اگر کسانی نخواهند نوعی سیاست "موازنه منفی" و یا "مبارزه علیه دو ابر قدرت" را به این جنبش تحمیل کنند، عملاً در راه تضعیف جنبش گام برمی دارند و به جبهه جهانی ضد امپریالیستی ضربه وارد می آورند."

جنبش عدم تعهد نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا می کند، و اگر کسانی نخواهند نوعی سیاست "موازنه منفی" و یا "مبارزه علیه دو ابر قدرت" را به این جنبش تحمیل کنند، عملاً در راه تضعیف جنبش گام برمی دارند و به جبهه جهانی ضد امپریالیستی ضربه وارد می آورند."

مبارزه با پایگاه های داخلی

امپریالیسم آمریکا

روزنامه اطلاعات به مناسبت سالگرد انقلاب ویژه نامه انتشار داده است که در آن پاسخی

اجلاس سران غیر متعهدها

هفتمین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در دهلی گشایش یافت. جنبش غیر متعهدها که در برگزیده اکثریت جمعیت جهان است، امروزه در عرصه سیاست جهانی نقش عمده ای ایفا می کند. این جنبش از کشورهای از بند رسته تشکیل شده است که در مورد ضرورت رهایی از بقایای شوم سلطه استعماری اشتراک منافع دارند. جواهر لعل نهرو، یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد، در همان اوان تشکیل این جنبش، مبارزه بخاطر ترقی اجتماعی و صلح را مهمترین وظایف این جنبش دانست، چرا که حفظ صلح جهانی و خاموش کردن کانونهای تشنج در گوشه و کنار جهان، مهمترین پیش شرط تامين ترقی ملی برای کشورهای در حال رشد است."

اجلاس سران جنبش عدم تعهد در شرایطی برگزار می گردید، که تامين این هدف اساسی جنبش، یعنی حفظ صلح جهانی، با مقاومت محافل جنگ افروز حاکم در واشنگتن روبرو گشته است. امپریالیسم آمریکا که تمام نیروی خود را وقف بدست آوردن مواضع از دست رفتن در "جهان سوم" از طریق بازگرداندن جهان بسنه دوران جنگ سرد و دامن زدن به آتش کانونهلی تشنج در آمریکای مرکزی، آفریقا، خاور میانه و آسیای جنوب شرقی کرده است، به هیچ روی دواطلبانه از جنگ افروزی، تشدید مسابقه تسلیحاتی و اعمال فشار بر کشورهای غیر متعهد دست بر نخواهد داشت. از این رو موضعگیری قاطع کشورهای غیر متعهد و اتحاد آنان در مقابل نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در حل حاضر اهمیت خاصی کسب کرده است."

کنفرانس دهلی باید قاطعانه تحریکات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا علیه نیکاراگوئه انقلابی، کمک های میلیاردی نظامی به رژیم های خون آشام دست نشانده در السالوادور، گوا تمالا و . . . حمایت آمریکا و متحدینش از تروا در پرستان آفریقای جنوبی و اسرائیل و افزایش حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند را محکوم کند. کنفرانس باید با حمایت از بیانیه سیاسی پیمان ورشو جبهه صلح جهانی را تقویت کند. کنفرانس باید قاطعانه به نفع پیشنهاد های خلع سلاح اتحاد شوروی موضع بگیرد و مسئله غیر نظامی کردن اقیانوس هند را بررسی کند."

کشورهای شرکت کننده در اجلاس باید در مقابل کوششهای نفاق افکنانه آمریکا مقاومت کنند. چین کرک باتریک، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، در نامه ای محرمانه به همه نمایندگان دیپلماتیک آمریکا می نویسد: "پرزیدنت ریگان توصیه کرده است که "سیا" بخصوص در جهان سوم عملیاتی انجام دهد. . . . باید اختلافات در بین جهان سوم را عمیقتر کرد و از تشکیل

در هفته‌ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

یک تغییرات اساسی در ساخت اجتماع‌سی و اقتصادی کشور بشود . . . گرچه مجلس شورای اسلامی علاقه زیادی دارد که به مستضعفین و محرومین کمک بکند، هر طرح و لایحه‌ای که بپنفس مستضعفین و محرومین به مجلس بیاید تصویب می‌شود، اما کم است، باید در مجلس در جهت رفع محرومیت محرومان بیشتر قانون تصویب بشود. دولت هم بیشتر کار بکند .

وی درباره گسترش نظام شورایی می‌گوید:

"قانون شوراها را مجلس شورای اسلامی مدتی است که تصویب کرده، شورای نگهبان هم تایید کرده و باید هرچه زودتر وزارت کشور (آنرا) اجرا کند . ولی متاسفانه وزارت کشور مثل اینکه می‌خواهد همان بلایی را که بر سر قانئون احزاب آورد، بر سر قانئون شوراها بیاورد . قانئون احزاب که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، تا حالا که اجرا نشده است . . . مثل اینکه وزارت کشور می‌خواهد قانئون شوراها را هم اجرا نکند و بفرمدم و مستضعفین اجازه ندهند که مستقیماً بیایند وارد فعالیت‌های سیاسی بشوند و حاکمیت خودشان را که در دست خودشان است، اعمال کنند ."

براستی چه کسانی می‌خواهند به مردم و مستضعفین اجازه ندهند که حاکمیت خودشان را اعمال بکنند ؟ چه کسانی می‌خواهند لبه تیز حمله را متوجه مسئولینی سازند که در جهت تحقق حاکمیت مستضعفین "گام بر می‌دارند؟"

حمله به مسئولین خط امامی

درباره پیام امام و نحوه اجرای آن، آقای موجدی ساوچی نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

"متاسفانه جو غالب در اجرا پیام امام به سراغ افراد و مسئولان و نیروهای خالص و فدائکار در راه اسلام و انقلاب رفته و حزب اللهی‌ها تضعیف و حذف می‌شوند و نیروهای کم‌کار و کار شکن و لیبرال و عناصر ناخالص رشید می‌کنند . عنقریب بیم آن می‌رود که افراد انقلابی بدست عوامل ضد انقلاب و محافظه کار فرصت طلب محاکمه شوند ."

این اظهارات هشدار دهنده، درستی پیش بینی حزب توده ایران را که حمله به صفوف پیروان سو سیالیسم علمی را آغاز حمله به صفوف همه نیروهای انقلابی، از جمله مسلمانان مبارز دانست، ثابت می‌کند. در روزهای گذشته، پدیده‌های نگران کننده‌ای از کنار زدن مسئولان شجاع و خط امامی دیده شد. از جمله حجت الاسلام برهانی، معاون دادسرای ویژه امور صنفی تهران، از کار برکنار شد . وی در مراسم خداحافظی با پرسنل دادسرا گفت:

"این مسئله را مسئولین جمهوری اسلامی بداند، نگذارند. قطب زاده‌ها و بازرگان‌ها خیار نند کنند و بعد بیایند اعلام کنند که اینها

دولت و ملت است . او بایستی قانون را اجرا کند نه خواست شخصی خودش را، اما تعارض‌ها بیشتر روی مسایل اقتصادی است. خصوصاً در چند وزارتخانه، یکی وزارت کار، یکی وزارت بازرگانی و همچنین در بعضی دستگاه‌های اجرائی دیگر، مسئولین دیدگاه‌های خلاف دیدگاه قانون اساسی دارند و می‌خواهند دید خودشان را بطور غیرقانونی عمل بکنند .

در این مورد شهید بهشتی گفته است: "همه کسانی که به قانون اساسی رای داده‌اند باید ملتزم باشند که این قانون اساسی را به عنوان مبنای هرگونه حرکت و وحدت بشناسند و مورد احترام و عمل قرار دهند . مردم عزیز ایران کمترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود را تحمل نکنند . در جامعه‌ای که به قانون اساسی بی‌اعتنایی شود، این خطر وجود دارد که مجدداً استبدادها و دیکتاتورهای در شکل‌های جدید و با ظاهرهای زیبای فریبنده و در افسق ایران آزاد شده رخ بنمایند و آزادی، استقلال و مردمی بودن این نظام را به خطر آفتابند . نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز، حساس باشید ."

جای آن دارد که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، "بی‌اعتنایی" ها به قانون اساسی را که خطری جدی برای انقلاب ما است نادیده نینگارند، بخصوص در این روزها که یورش ناچوس نمرده به صفوف حزب توده، ایران نگارانی برحق همه، هواداران راستین انقلاب رایجیز انگیخته است.

سمنار بررسی قانون کار

صبح روز سه شنبه دهم اسفند ماه سومین سمنار انجمن ها و شوراهای اسلامی کارگران در ارتباط با قانون کار آغاز شد . رئیس جمهوری در پیامی به این سمنار ضمن تجلیل از سهم بزرگ کارگران در انقلاب و ارج و قربتی که کارگران باید در نظام جمهوری اسلامی ایران از آن برخوردار باشند، گفت:

"برادران و خواهران کارگر در طول سالهای گذشته از محرومیت‌های زیادی رنج می‌برند این محرومیت‌ها بایستی برطرف شود و دولت جمهوری اسلامی ایران که طرفدار مستضعفان و در خط محرومان و ستمدیدگان هست بایستی با برنامه ریزی و بند ریز به طرف رفع همه این محرومیتها قدم بردارد و قانئون کار بایستی تضمین‌های لازم را برای دوران باز نشستگی و برای دوران نقض عضو و شرایط نقض عضو و امثال آن داشته باشد و دارا باشد ."

آقای مهندس موسوی نخست وزیر نیز درباره قانون کار گفته است:

"برادرانی که مسئول تنظیم قانون کار هستند، باید از سطح جامعه تاثیر بگیرند و بر اساس بحث‌های مطرح شده در جامعه، قانئون تازه‌ای را تدوین کنند ."

بنابراین مبارزات خستگی ناپذیر کارگران اول لاین شمر خود را تیار آورد . مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران اینک از تدوین "قانونی تازه" سخن می‌گویند که به خواسته‌های کارگران پاسخ مثبت دهد و "از سطح جامعه تاثیر بگیرد ."

خیانت کرد ماند . حجت الاسلام برهانی پس از برشردن پاوه ای موارد تخلف مسئولین وزارت بازرگانی، به همکاران خود توصیه کرد:

"دلگرم باشید و به کارتان ادامه دهید و قاطعانه در مقابل ضد انقلاب و ضد انقلاب آفرین که همان تروریستهای اقتصادی هستند، بایستید امروز مسئولیت خیلی سنگین است . . . این نکته را هم بگویم، من نه تنها از تهدید نمی‌ترسم، بلکه تهدید هم می‌کنم که آنها به ختم خلق و امت گرفتار می‌شوند. من حرف‌هایم را صریح می‌زنم . برای مرگ مسئله‌ای نیست . . . اگر اتهام جدیدی برای اینجانب پیدا کردند، حاضر م محاکمه علنی بشوم و در آن محاکمه علنی، ثابت می‌کنم که متخلفین درجه یک چه کسانی هستند و در گوشه و کنار از متخلفین اقلام درشت نیز حمایت می‌شود بشرط اینکه در محاکمه هیچگونه سانسوری نباشد و اگر اتهامی داشتیم تا بحال میبایست به این حقیر اعلام می‌کردند ."

پس از سخنان، حجت الاسلام برهانی، قطعنامه کارکنان دادسرای انقلاب امور صنفی قرائت شد که در آن ضمن قدردانی از زحمات آقای برهانی، آمده است:

"اما از کنار گذاشتن برادر برهانی دلسرد شده و مبارزه با تروریستهای اقتصادی را قاطعانه ادامه می‌دهیم ."

آقای مسئولین امور می‌خواهیم افرادی را بجای ایشان بگذارند. که سازشکار نبوده و حمایت از محرومین و مبارزه با سرمایه‌دارانی که به خون شهدا خیانت می‌کنند را ادامه دهند . این عکس العمل کارکنان دادسرای امور صنفی نشان می‌دهد که نبرد علیه سرمایه‌داران ادامه دارد و نه تنها تخفیف نیافته، بلکه تشدید نیز شده است ."

از جمله، آقای فواد کریمی درباره تخلفات مسئولین وزارت بازرگانی که آقای برهانی "قصر بانی" شهادت و قاطعیتش در مقابله با آن شد، می‌گوید:

"بازار آزاد و مکانیزم بازار آزاد توم را به چندین برابر بالا برده است. در مقابل، وزارت بازرگانی بجای اینکه فکری، ویرانه‌ریزی نکند که توم را کنترل بکند، می‌آید شعار می‌دهد که: بیایید بگذارید بازار آزاد باشد! بگذارید همه چیز آزاد باشد! . . . خوب موقعی که همه چیز آزاد باشد، یعنی اینکه آن کسی که کالا در اختیارش هست و می‌خواهد از این کالا سود ببرد نفع ببرد، در سود بردن خودش آزاد باشد . . ."

حراست از قانون اساسی

آقای فواد کریمی ادامه می‌دهد: "اساساً قانون اساسی دستاورد انقلاب و شرف خون شهیدان و میثاق اجتماعی جمهوری اسلامی است، جمهوری اسلامی بر اساس این قانون اساسی برپا شده و این قانون اساسی با آرا مردم به تایید امام رسیده و امام هم فرمودند: چیز خلاف شرع در این قانون اساسی، من نمی‌بینم . . . ممکن است یک مجری در بعضی موارد قانون اساسی را قبول نداشته باشد، یا بینش او با بینش قانون اساسی تفاوت داشته باشد، اما او کارمند

دلارهای پشت شیشه در سه راه منوچهری

به بازار سیاه قاچاق ارز، اکنون يك بازار خاکستری نیز اضافه شد.

آقای دکتر محسن نوربخش، رئیس کل بانک مرکزی ایران در روزنامه کیهان ۲۱ بهمن ۱۳۶۱، در آستان چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان اعلام کرد: "بر اساس مقررات ارزی که بتصویب مراجع قانونی رسیده است ورود ارز به هر میزان آزاد اعلام میشود و افراد (تکیه از ما) میتوانند هر مقدار (تکیه از ما) ارز وارد کشور کنند."

این افراد باید فقط مقدار ارز خود را در موقع ورود به ایران در گذرنامه ثبت کنند، اما حق دارند، این ارز را به افراد دیگری که قصد خروج از کشور را دارند واگذار کنند! تا کنون وضع آنطور بود، که ارز ثبت شده در گذرنامه به منظور جلوگیری از خرید و فروش ارز در بازار سیاه انجام می شد، ولی اکنون که عملاً فروش دلارها در صرافی های خیابان فردوسی آزاد شده است، دیگر ثبت مقدار ارز در گذرنامه و یا در فرم های که تهیه خواهد شد (آقسل)

نوربخش (چه مفهومی دارد؟ مفهوم این اقدام را باید در جوار و در ارتباط با تصمیم های دیگر درک کرد، که این روزها "بتصویب مراجع قانونی" رسیده است:

— بازگشت فراریان، بدون ترس از تعقیب، مجزوم مورد قتل، شکنجه و همکاری با این اعمال جنایتکارانه.

— اجازه خروج آزاد از کشور، که به نفع ارتباطات ضد انقلاب به کار گرفته خواهد شد و فقط فشار متوسط به بالا، که امکان سفر به خارج از کشور را دارند، از آن استفاده خواهند کرد.

— اجازه ورود کالا به نام "کارگران ایرانی شاغل در حوزه خلیج فارس" که وسیله جدیدی در دست دلالتان خواهد شد، برای لغو علسی اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد بازگشتی خارجی دولتی.

— سپردن خانه سازی به دست "سرمایه های مردم"، که عملاً راه سودورزی از نیاز خلق به سرپناه را دوباره می کشاید. حقی که تا مین آن در اصل سی و یکم قانون اساسی به عهده دولت سپرده شده است، و تا مین آن فقط از

طریق سرمایه گذاری وسیع دولتی ممکن است. اصل سی و یکم قانون اساسی: "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است ۰۰۰ زمین اجرای این اصل را فراهم کند."

سوالی که اکنون مطرح است، آن است، که چه کسانی که از خارج به ایران باز می گردند با خود ارز اضافی دارند و می توانند داشته با شدند، که در بازار خاکستری "بفروش برسانند؛ یک گروه آن ایرانیانی هستند که در خارج شغلی دارند و حقوق بگیرند. همانند "کارگران شغل در کشورهای حوزه خلیج فارس" و یا در کشورهای اروپایی.

کیست که نداند، "حقوق" این شاغلین، حتی پردرآمدترین آنها، مانند پزشکان، هیچگاه آنقدر بیشتر از مخارج زندگی ماهانه آنها نخواهد بود، که بتوانند با آن نیاز بازار خاکستری "ارز را تامین کنند. واقعیت آن است، که تنها گروه خائنینی که قبل از انقلاب با قیمت دلار ۷۰ ریال و مارک ۳۶ ریال میلیاردها دلار و مارک ارز کشور را خارج کردند و آن دلالتی که با تقبل در فرم های خرید اجناس وارداتی و اعلام قیمت دروغین و بیشتر از قیمت بقیه در صفحه ۱۴

خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱۱

درجه رهایی زنان معیار درجه اصالت انقلاب است

اینک در آغاز پنجمین سال انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران که با شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیروزی رسید هستیم. این انقلاب رهایی محرومین از ظلم و ستم غارتگران و برقراری عدالت اجتماعی را هدف خویش قرار داده و رسیدن به این اهداف، بدون احقاق حقوق زنان، که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند، امکان پذیر نیست.

زنان زحمتکش ایرانی که سهم بزرگی در پیروزی رساندن انقلاب و مبارزه برای دفاع از دستاوردهای آن دارند، به حق انتظار دارند که به تضییقات و اعمال فشارها علیه زنان پایان داده شود، برابری حقوق زن و مرد چسبیده در قانونگذاری، چه در اجرا و چه در قضاوت رعایت گردد و آنچنانکه قانون اساسی معین کرده است شرایط شرکت هرچه فعالتر و وسیع تر زنان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور فراهم گردد.

در آستانه هشتم مارس، روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان، باید بار دیگر بر این نکته تاکید کرد که سیاست زن ستیزانه ای که برخی سحافل تمام تلاششان متوجه تقویت آن است، در شان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست. نیروهای مترقی و آزادخواه جهان و پیش از همه مستضعفین و محرومین جامعه خود ما، درجه اصالت انقلاب را با درجه رهایی زنان از قید ظلم و ستمی که بر آنها اعمال می گردد می سنجند. دولت جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی و مسئولین قوه قضاوتی باید پیش از پیش به این مهم توجه کنند و از

و عشایر در انتخابات، جایگزین کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران به جای رژیم منحوس سلطنتی، رای به قانون اساسی و انتخابات نمایندگان برای مجلس شورای اسلامی و دیگر انتخابات، کمک به تولید بیشتر و فرستادن ارزاق و البسه به جیب های جنگ، تشکیل "کمیته های پشت جبهه" در بسیاری از روستاها توسط زنان برای تهیه لباس و خوراکی، پختن نان، جمع آوری پنبه و دارو و ۰۰۰ همه و همه نشانگر تلاش گسترده زنان زحمتکش روستایی در دفاع از انقلاب است.

در عین حال زنان روستایی از مبارزه برای تامین حقوق غارت شده زحمتکشان میهن غافل نیستند. هر جا که مبارزه با بزرگ مالکان و اعمال آنان جریان دارد، زنان زحمتکش روستایی در کنار شوهران، پدران، پسران و برادرهای خود محکم ایستاد مانده، طومار را امضا میکنند، راه پیمایی می کنند و اگر لازم شود، زمین را شخم می زنند، می کارند و بر می دارند. هر جا که مردم برای برکناری عناصر مطلقیتی از شهرها و تعاونیهایی روستایی تلاش می کنند، زنان نیز حاضرند. هر جا که دهقانان خواهان تامین نیازمندیهای عمرانی و رفاهی و بهداشتی و آموزشی اند، زنان نیز آنچه در توان دارند، انجام می دهند.

زنان زحمتکش روستایی و عشایر می دانند که مبارزه بخاطر دفاع از انقلاب از مبارزه بخاطر احقاق حقوق زحمتکشان، و از جمله زنان زحمتکش، جدا نیست.

یاد نبرند که ناراضی کردن اقشار مختلف جامعه از جمله زنان، بخشی تنگنا ناپذیر از توطئه گسترده دشمنان انقلاب بسزکردگی آمریکای جهانخوار است که با کمک عوامل نفوذی، را — سنگرایی و قشربون با تمام شدت جریان دارد. توجه خاص به این توطئه عظیم بخصوص زمانی اهمیت خود را آشکار می سازد که هجوم اخیر راستگرایان به مواضع پیروان راستین خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در نظر آوریم. این هجوم که از چند ماه پیش تدارک دیده شد و با دستگیری اعضا و رهبران حزب توده، ایران به مرحله حساس خود رسید، در پیوند تنگنا تنگ با توطئه های دشمنان انقلاب بسزکردگی آمریکا خطر عظیمی را متوجه انقلاب می سازد، خطری که بیش از هر چیز پیوند حاکمیت جمهوری اسلامی با پایگاه توده های آن را تهدید می کند، چرا که ناراضی ترافی با افزایش تاثیرات عملکرد راستگرایان تشدید شده و در نهایت "پشت جبهه" نیروهای خط امام را که همانا توده های مردمند خالی می کند.

در مقابل، همه علاقمندان و دوستداران انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، با همه نگرانی بحقی که تضییقات و فشارها علیه زنان در میهن ما بر می انگیزند، با این حقیقت گرهی توجه دارند، که هیچ مسئله ای، از جمله معضل رهایی زنان از قید و بند ستم و استعمار مضاعف، جدا از کل روند مبارزه طبقاتی در میهن انقلابی ما، و در شرایط کنونی بخصوص مبارزه و خط، یکی مدافع زحمتکشان و دیگری مدافع غارتگران، قابل بررسی نیست و هرگونه بپیچیدگی در وضع زندگی زنان تنها از طریق پیش بردن مبارزه در تمام مرصه های نبرد طبقاتی میسر است.

کارل مارکس و مسائل ساختمان سوسیالیسم

اجتماعی بروسائل تولید و کار برای افزایش بازدهی تولید و اقتصاد در مجموع و همچنین گسترش و تعمیم د مکرر اس سوسیالیستی و تکامل سیستم توزیع در سوسیالیسم را مورد تحلیل عمیق قرار میدهد. وی خاطر نشان میسازد که جهت اصلی سیاست اقتصادی حزب کمونیست اتحاد شوروی متوجه تأمین رفاه هر چه بیشتر زحمتکشان و ایجاد شرایط مادومیرایشگرفائی زندگی معنوی و فرهنگی و فعالیت اجتماعی آنانست. در این مقاله تأکید شده است که مکزیکو کمونیست اتحاد شوروی برای تکامل هر چه بیشتر ثنوری مارکسیسم پلنینسم اهمیت بسزائی قائل است. تجارب گوناگون کشورهای پیرو سوسیالیستی مادوم فراوانی برای کار ثنوریک در این سمت بدست میدهد.



خطر افزایش میابد

"نیروهای مداخله سریع آمریکا که از آغاز سال جاری مسیحی تحت فرماندهی مرکزی قرار گرفت تقویت خواهند شد. تعداد سربازان این نیروها قرار است دو برابر شده و تا ۶۰ هزار نفر را در بر گیرد. طبق گزارش کسینوین بودجه کنگرم آمریکا در سال جاری مسیحی ۵۰ میلیارد دلار برای افزایش قدرت رزمی این نیروها در نظر گرفته شده است. برپایه این گزارش، این نیروها قادرند در عرض ۲۱ روز با تمام نیروی مناطق خلیج فارس و خاور نزدیک منتقل شده و دست به عملیات زنند. آمریکا در نظر دارد با اقدامات دیگری این مدت را به چند روز کاهش دهد.

با افزایش خطر "نیروهای مداخله سریع" برای استقلال کشورهای منطقه، جنبش اعتراضی عظیمی در سریلانکا برپا افتاده است. در اکثر شهرهای این کشور تظاهرات مختلفی علیه حضور این نیروها در اقیانوس هند و استقرار ستاد "فرمانده مرکزی" در جزیره دیگو گارسیا برگزار شد. شخصیت‌های اجتماعی برجسته این کشور خواستار انحلال مرکز و این نیروها و تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح شدند. در دیگر کشورهای آسیا منطقه نیز جنبش اعتراضی در حال گسترش است.

پیشنهادات تازه اتحاد شوروی

کشورهای سوسیالیستی پیشنهادات تازه‌ای برای بیرون رفتن از بن‌بست مذاکرات وین ارائه کردند. کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد کردند که موافقتنامه‌ای مبنی بر کاهش نیروهای مسلح ناتو و پیمان ورشو مستقر در اروپای مرکزی و رساندن تعداد هر کدام به مرز ۶۰۰ هزار نفر تدوین شود. کشورهای سوسیالیستی همچنین پیشنهاد میکنند که برای شروع بهتر است آمریکا و اتحاد شوروی نیروهای مستقر خود در اروپای مرکزی را کاهش دهند. اتحاد شوروی همچنین آمادگی خود را برای خارج ساختن ۲۰ هزار سرباز دیگر علاوه بر همین تعداد سربازی که در سال پیش بطور یکنانه از خاک آلمان د مکرانیک خارج ساخته بود، از اروپای مرکزی اعلام کرد. بشرطی که آمریکا حاضر باشد سیزده هزار تن از سربازان مستقر در این منطقه را همراه با تجهیزاتشان بیرون برد.

ملاقات سران

سران کشورهای ویتنام و لائوس و کامپوچیا در وین تیان و پایتخت لائوس میا همدیگر ملاقات کردند و پیرامون مسائل منطقه جهان و روابط میان خود به مشاوره پرداختند.

یوری آندریف و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مقالهای که در شماره اخیر مجله "کمونیست" منتشر شده است آموزش کارل مارکس و بعضی مسائل ساختمان سوسیالیسم را در رابطه با صد مین سالگرد سرگ و ۱۶۵ مین سالگرد تولدش مورد بررسی قرار داده است. وی در مقاله خود اظهار داشته است که، زمان هر چه میگذرد مفهوم و عظمت زندگی قهرمانانه مارکس روشنتر میگردد. مارکس هم یک دانشمند بزرگ و هم یک انقلابی فعال بود که رزمش را انگلوس و لنین ادامه دادند. یوری آندریف بر پایه فاکت‌ها و قانوننندهای ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و تجارب تازه‌ی سوسیالیسم واقعا موجود را مورد بررسی قرار میدهد. وی مسائل تحقیق علی اصل مالکیت

سوسیالیسم در لهستان پیروز خواهد شد

آن در هم شکست‌اند و طرحهای آنان علیه دولت سوسیالیستی لهستان افشا شده و زحمتکشان اهداف واقعی آنان و زبانه‌های وارده را بخوبی تشخیص داده‌اند. اما دشمن همچنان در حال فعالیت است. وی گهت در لهستان مبارزه پسر سر آگاهی اجتماعی در جریان است. دشمنان سوسیالیسم تلاش میورزند مغلظات اقتصادیک کشور را مورد سوء استفاده قرار داده و جو عدم اعتماد به حزب و حکومت مردمی ایجاد کرده و مردم را به مقاومت علیه اقدامات دولت بکشانند. آنها میکوشند حسن‌نآئیدی و ضعف را در همه سطوح جامعه برانگیزند تا از این راه روند تثبیت و عادی سازی اوضاع را مختل سازند.

وی پس از تشریح وظایف حزب در رابطه با کار سندیکائی و چند جنبه از سیاست خارجی کشور اظهار داشت که لهستان برای اولین بار در تاریخ خود از ضمانت کامل سیاسی - نظامی برخوردار است. ارتش نیرومند لهستان همراه همیمان قدرتمند خود اتحاد شوروی مرزها را حفاظت میکند. اتحاد شوروی همراه دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو تمامیت ارضی جامعه کشورهای سوسیالیستی را حفظ میکند. این حقیقت باید همواره در خاطر ما جای داشته باشد. لهستان برای اینکه لهستان باقی بماند باید نظام سوسیالیستی در آن حاکم باشد.

تلاشهای حزب متحد کارگری لهستان و دولت این کشور برای تثبیت و ادامه روند عادی سازی وضع عمومی کشور همچنان ادامه دارد. حزب متحد کارگری لهستان در هفته‌های اخیر جلسات متعددی در استانهای مختلف کشور برگزار کرد و اوضاع را مورد بررسی قرار داد. تا از این طریق شرکت تمام سطح حزبی در کار سخت و دشوار مبارزه علیه تحریکات داخلی و خارجی و رفع بحران موجود در کشور را تأمین کند. ژنرال یاروزلنسکی دبیر اول حزب و رئیس دولت لهستان نیز در اغلب این جلسات از جمله در ایالت کاتوویتسه شرکت و سخنرانی کرد.

وی در جلسه فعالین حزبی این ایالت سخنرانی بیسوطی حول مسائل جاری کشور و وظایف حزب ایراد کرد. وی خاطر نشان ساخت که حزب توانسته است قدرت خود را باز یابد و اعضای را فعالتر ساخته نقش خود را بعنوان نیروی محرکه احیا و تثبیت حکومت و ارزشهای سوسیالیستی جامعه باز یابد. وی گهت حزب هر روز بیشتر به نقش و مسئولیت تاریخی خود برای خدمت به خلق آگاهی مییابد. وی افزود که حزب بر آنست که مطابق با تعویبات کنگره نهم خود، وضع کشور را تثبیت کند. آنها در شرایطی که خطر دشمن را نباید کوچک شمرد. حزب درگیر مبارز سختی با دشمن سیاسی است. اگرچه نیروهای اصلی

این سه کشور در قطعنامه‌ای که در پایان این سران این سه کشور مذاکرات دو روزه منتشر کردند، خواست خود را برای همکاری هر چه بیشتر با دیگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش غیر متعهد ها در دیگر نیروها مترقی جهان برای حفظ صلح و خلع سلاح و تنش زدائی مورد تأکید قرار دادند. آنها در قطعنامه خود تصریح کردند که صحتند به همکاری خود با جنبش کشورهای غیر متعهد برای مبارزه علیه امپریالیسم استعمار و استعمار نو، نژاد پرستی و سیاست تبعیض نژادی و صهیونیسم و همچنین ایجاد نظام اقتصادی نوین بین‌المللی ادامه دهند.

راه تووه

No. 31

Friday, 4 Mar. 83

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" (Révolution) با رفیق نورالدین کیانوری

مصاحبهای را که در ذیل می خوانید مجله "رولوسیون" ارگان سیاسی - شوریک حزب کمونیست فرانسه چند روز پیش از دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران با وی انجسام داده است .

س: از انقلاب ایران که موفقیتی عظیم در جنبش جهانی ضد امپریالیستی بشمار می آید، چهار سال میگذرد . لطفاً بیان دگرگوئیهای را که این انقلاب در زمینه داخلی و در زمینه سیاست بین المللی به همراه آورده است را برای ما شرح دهید ؟

ج: بدون تردید انقلاب ایران را میتوان مهمترین رویداد جهانی در سالهای آخر دهه هفتاد شمرد . اکنون، در آستانه پایان چهارمین سال زندگی جمهوری اسلامی که مهمترین محصول آن انقلاب نیرومند ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و مردمی بشمار می آید، هستیم . یکی از وجوه یا اهمیت انقلاب ایران همین ویژگی است که با اینکه اکنون ۴ سال از عمر آن میگذرد، هنوز یکی از مهمترین مسائل بین المللی است و نیروهای مظلومی را در سراسر جهان بخود مشغول میکند . آنچه را که این انقلاب تاکنون در زمینه سیاست بین المللی، یعنی در مناسبات ایران با دنیای خارج انجام داده، میتوان بشرح زیرین خلاصه کرد:

۱. انقلاب ایران یکی از مهمترین پایگاههای جهانی را در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان، یعنی منطقه خلیج فارس در هم شکست . همه میدانند که ایران زمان رژیم شاه سرنگون شده با هزاران زنجیر به امپریالیسم جهانی و در درجه اول به امپریالیسم آمریکا وابسته بود . دولت ایران و ارتش ایران بطور همه جانبه، مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل، اجرا کننده نقشه های امپریالیسم آمریکا بودند و بصورت ژاندارم مقتدری در منطقه خلیج فارس عمل میکردند . اعتماد امپریالیسم جهانی به نقش رژیم شاه سرنگون شده تا این حد بود، که احتیاجی به ایجاد پایگاههای نظامی نیرومند متعلق به خود در منطقه احساس نمیکرد، زیرا مطمئن بود که با وجود رژیم سرسپرده و نیرومند ایران در خلیج فارس، نفت این منطقه که برای امپریالیسم جهانی اهمیت حیاتی دارد، بدون کوچکترین تهدید بسوی دنیای سرمایه داری جریان خواهد داشت و هر حرکت مردمی در کشورهای این منطقه همانطور که در صان شاهدش بودیم - بوسیله نیروهای متجاوز رژیم شاه در هم کوبیده میشد . همانطور که میدانیم، آمریکا برای نگهداری این پایگاه با اهمیت تمام شریانه های حیاتی اقتصادی و نظامی و تمام دستگاه دولتی ایران را در دست خود گرفته بود، ارتش ایران را با مدرن ترین جنگ افزارها مسلح کرده بود و بیش از ۵۰ هزار مستشار نظامی خود را برای اضماع حاکمیت سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی به ایران تحمیل کرده بود و ایرانیان تعلیم دیده در آمریکا را، که عد زیادی از آنها آگاهانه به خدمت امپریالیسم آمریکا درآمده بودند، در مهمترین مقامات دولتی و ارتشی مستقر ساخته بود . البته باید یک جنبه دیگر سلطه آمریکا در ایران را بهمین اندازه

مرد توجه قرار دهیم و آن اهمیت اقتصادی ایران برای امپریالیسم جهانی و ویژه امپریالیسم آمریکا بود . میدانیم که ایران در دوران شاه، با تولید بیش از ۳۰۰ میلیون تن نفت خام در سال، دومین کشور تولید کننده نفت در ایش بود و نفت ایران، طبق قرارداد جانشانهای از طرف رژیم شاه به یک کنسرسیوم انگلیسی، آمریکائی، هلندی، فرانسوی و انگلیز شده بود . انحصارهای نفتی امپریالیستی سالیانه دهها و دهها میلیارد دلار از نفت ایران سود میبردند و انحصارهای دیگر امپریالیستی، آن سهمی را که به ایران داده میشد، از راه فروش جنگ افزار و اجناس مصرفی خود به هزار ترفند دوباره به بازارهای مالی جهان امپریالیستی باز میگرددند . ۲۰ کشورهای صدها امپریالیستی بازار ایران را در اختیار داشته و بیش از ۸۴ درصد تجارت خارجی ایران در دست آنان بود .

سومین جنبه سلطه آمریکا بر ایران دوران شاه، اهمیت استراتژیک کشور، برای نقشه های امپریالیستی در زمینه محاصره نظامی آن کشور شوروی بود . همانطور که میدانیم، ایران با اتحاد شوروی در طول نزدیک به ۴ هزار کیلومتر هم مرز است و این مرز از لحاظ نزدیکی به بخشهایی از صدها ترین مناطق استراتژیک درون اتحاد شوروی برای امپریالیسم آمریکا اهمیت فوق العاده دارد . ایران حلقه اساسی ارتباط سیستم نظامی امپریالیستی " ناتو " با سیستمهای نظامی امپریالیستی در جنوب و جنوب شرقی آسیا بود . ایران عضو پیمان امپریالیستی سنتو بود، کنگه از یک طرف بوسیله ترکیه عضو دیگر این پیمان با پیمان ناتو و از طرف دیگر بوسیله پاکستان " عضو سوم این پیمان " با پیمان سنتو ارتباط پیدا میکرد . در ایران مهمترین دستگاههای الکترونیک جاسوسی علیه اتحاد شوروی در نزدیکی مرزهای آن کشور مستقر گردیده بود .

این بود مختصات صدها ایران دوران شاه، بعنوان یکی از مهمترین پایگاههای استراتژیک امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یکی از میدانهای قارت نواستعماری . انقلاب ایران این پایگاه را در هم کوبید و تمام حسابهای امپریالیسم جهانی را در این منطقه بسیار با اهمیت جهان در هم ریخت . در پیاد پیروزی انقلاب، قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا لغو گردید . ایران از پیمان سنتو خارج شد و در نتیجه پیمان سنتو از هم فاشید . قرارداد های خرید میلیارد ها دلاری جنگ افزار از آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی لغو شد . دهها هزار مستشار آمریکائی از ایران اخراج شدند و هزاران مستشار و فارتگر دیگر کشورهای امپریالیستی مجبور شدند، ایران را ترک گویند . نفست ایران بعنوان بزرگترین منبع درآمد ملی از دست هشت پایهای امپریالیستی بیرون کشیده شد . مقدار زیادی از قرارداد های فارتگرانسه عملی بوسیله کشورهای امپریالیستی باطل گردید . باین ترتیب فریسه نیرومندی به مناقب سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی و بوجه امپریالیسم آمریکا وارد آمد . ایران از حلقه کشورهای وابسته و سرسپرده به امپریالیسم جهانی خارج شد و به جرگه کشورهای غیر متعهد وارد گردید . در زمینه مسائل درون جامعه ایران، انقلاب توانست دگرگوئیهای قابل توجه بوجود آورد . انقلاب نظام سلطنتی را، که طمس دو هزار و پانصد سال در ایران برقرار بود، با یک نهیب برانداخت و راه را برای ایجاد یک نظام جمهوری بر پایه افکار و آراء عموم مردم همسوار بقیه در صفحه ۲

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون"

بقیه از صفحه ۱

کردند. در دوازدهم اردیبهشت ۱۳۵۷، که مهم‌ترین کارگزاران امر-یالیسم جهانی بودند، با ایران فرار کردند و با اینکه در دادگاه‌های انقلاب محاکمه و مجازات شدند، بخش‌هایی از افسران ارتش سرسپرده به آمریکا از ارتش برکنار شدند و از بهترین مهربانان دوران شاه اندام گردیدند. سازمان مخوف ساواک، که ساخته و پرداخته سازمان "سیا" آمریکا و "موساد" اسرائیل بود، منحل گردید. مجلسی شورا و سنای دوران شاه، که تنها سرسپردگان امپریالیسم جهانی در آن گرد آمده بودند، از هم پاشیده شد و نمایندگان آن مانند وزیران سابق نظام سلطنتی، از اشتغال در هرگونه مقام دولتی محروم شدند. بانکهای خصوصی که یکی از عمده‌ترین وسایلی غارت کلان سرمایه داران وابسته به رژیم شاه و امپریالیسم جهانی بودند، ملی اعلام شدند. نیروهای عظیم خاندان شاه سرنگون شده و وابستگان دربار، که اکثر آنها بزرگترین مالکان و سرمایه داران کشور بودند، مصادره گردید و در اختیار نهادهای انقلابی قرار گرفت، بخش مهمی از کارخانجات بزرگ (بزرگ‌ترین ۷۰ درصد) که صاحبانشان به بانکهای دولتی و شخصی وام‌های کلان به‌هزار بودند، در اختیار دولت قرار گرفت. شورای انقلاب، به تبعیت از خواست توده‌های دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا، که با نیروی عظیم خود، بدون جنگ افزار، انقلاب شکوهمند ایران را بنه پیروزی رسانده بودند، یک دسته قوانین بسود زحمتکشان و در جهت محدود کردن امکانات غارتگری کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان تصویب کرد، قوانین مربوط به محدودیت مالکیت ارضی و واگذاری زمین‌های متعلق به بزرگ مالکان به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، قانون ملی کردن تجارت خارجی، قانون ملی کردن زمینهای شهری و کوتاه کردن دست سفته‌ها - پازان از بخش ساختمان و نظائر اینها. این سلسله تصمیمات مثبت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شدند و بطور چشمگیری مورد تأیید توده‌های میلیونی رای دهندگان به این قانون قرار گرفتند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سند تاریخی بسیار با اهمیت است که در آن مباحث مهم عمده‌ترین شعارهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یعنی تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، جا گرفته است. البته در قانون اساسی نقاط ضعفی وجود دارد که در صورت چیرم شدن نیروهای راستگرا در خاکمیت، میتواند در جهت معکوس محتوای واقعی قانون مورد سوء استفاده قرار گیرد.

این تصمیمات که بطور کلی در چهارچوب اصلاحات بورژوا دموکراتیک قرار داشتند، نتوانستند در صورت پیگیری و اجرا پایهای پسرای دگرگونیهایی ژرفتر اجتماعی - اقتصادی علیه نظام غارتگر سرمایه‌داری وجود آورند. در دستگاه حاکمیت کشور تخیلات بنیادی بوجود آمد. نمایندگان اشرار بینایی و روحانیت وابسته به آنان تمام مقامات کلیدی دستگاههای دولتی و قضائی و قانون گذاری، جای نمایندگان طبقات حاکمه گنجه جامعه سلطنتی را اشغال کردند. اینها بودند عمده‌ترین دستاورد های انقلاب شکوهمند مردم ایران، که بخش اساسی و عمده آن در همان سالهای اول و دوم پیروزی انقلاب عملی گردید و با اینکه در سالهای سوم و چهارم، بر اثر یک سلسله عوامل، پیشرفت انقلاب دچار کندب و رکود شد و در زمینه‌هایی گامهایی به عقب برداشت، همنسوز اثرات عمیق در جامعه ایران وجود دارد و بعنوان یکی از عوامل عمده، در درگیریهای اجتماعی دورانی که در برابر ماست، اثر خواهد گذاشت.

با این همه در کنار این بیلان مثبت مبارزات درونی میان نیروهای که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده‌اند نیز گسترش یافته است. سرکوب بسیار شدید و اعدامهای متعدد هنوز رواج دارد. بنظر میرسد کسبه اقداماتی نگران کننده نسبت به حزب توده ایران انجام میگیرد. آیا نمی‌بایست این وضعیت را در رابطه با تمایلی برخی‌ها به تضعیف انقلاب ایران ارزیابی نمود؟

ج: این پرسش کاملاً بجا و با اهمیتی است. واقعیت این است که در انقلاب ایران طیف‌های العاده رنگارنگی از نیروهای اجتماعی، با افکار و عقاید و آماجها و خواستههای گوناگون اجتماعی سیاسی و اقتصادی در همه زمینه‌ها شرکت داشتند. در یک سوی این طیف نیروهای وابسته به بورژوازی لیبرال و بخش قابل ملاحظه‌ای از روحانیون پشتیبان آنان قرار داشتند، که اهدافشان تنها در چهارچوب "محدود کردن" اختیارات شاه و کم‌رنگ تر کردن وابستگی به امپریالیسم جهانی جای میگرفت. در سمت دیگر این طیف نیروهای انقلابی مبارزی قرار داشتند، که خواستار دگرگونیهای بنیادی بسود محرومان جامعه بودند. اینها خواستار آن بودند که هرگونه وابستگی به امپریالیسم ریشه کن بشود، امکانات غارتگری سرمایه داران و مالکان تا حدود زیاد بسود توده‌ها محدود شود و شعار "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" به معنای واقعی و وسیع و ژرف آن بواقع اجرا درآید. در اینجا باید باین نکته هم توجه داده شود که با کمال تأسف در میان این نیروهای انقلابی از همان آغاز اوجگیری جنبش انقلابی سوء تفاهات ذهنی بسیار و اختلاف نظرهای عمیق در شیوه‌های عمل و برداشتها و ارزیابیها وجود داشت و امپریالیسم و ارتجاع با مهارت توانستند از این اختلافات بهره‌گیری نمایند و این نیروها را در مراحل مختلف انقلاب بجان هم بیندازند و مجموعه نیروهای انقلابی را بیزان قابل توجهی ناتوان سازند.

یکی از ویژگیهای انقلاب ایران این بود، که هیچ سازمان متکامل سیاسی و یا جبهه متشکل از یک سلسله سازمانهای سیاسی که برنامه مشخص و مدونی برای انقلاب داشته باشد، در مقام رهبری این انجبار عظیم مردمی قرار نداشت و درست است که امام خمینی، بعنوان شخصیت پر نفوذ بدون رقیب در مقام رهبری انقلاب جا گرفته بود، ولی شعارهای اساسی انقلابی امام خمینی، که در بخش تخریبی کاملاً مشخص بود و بطور ساده در براندازی نظام پوسیده سلطنتی شاه، کوتاه کردن دست امپریالیسم جهانی و ویژه امپریالیسم آمریکا و ایجاد جمهوری اسلامی خلاصه میشد، برنامه مشخصی برای دوران سازندگی انقلاب مطرح نمیکرد و در نتیجه گروههای گوناگون، هر کدام برنامه مورد علاقه خود را در چهارچوب شعار کلی "جمهوری اسلامی" که بصورت عمده ترین شعار سازنده انقلاب درآمده بود، جای میدادند. با چنین آغازی میسر رسید ادعای بعدی انقلاب را میتوان تا حد زیادی قانونمندانه دانست. این نقطه ضعف بسیار قوی، یعنی بدون یک سازمان و یک برنامه مدون مورد توافق برای سازندگی انقلاب، میدان را برای فائز دشمنان انقلاب باز میکرد و به آنان امکان میداد، که در کوتاه مدت و هم در دراز مدت نقشه‌های شیطانی تفاق افکنانه خود را گام بگام بسود اجرا درآورند. نیروهای راستگرا، یعنی آن بخش از نیروهای که در حقیقت خواستار سازش با امپریالیسم جهانی و نگهداری پایه‌های نظام گنجه بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری هستند و با هرگونه دگرگونی بنیادی بسود محرومان جامعه دشمنی میورزند، بوقت شدند، بطور غریبه‌های چندی که در جریان برکناری دولت بورژوا لیبرال موقت و پس از آن در جریان برکناری بانس قطب زاده و بنی صدر به آنان وارد شد، از اختلافات نظمی میان نیروهای مبارز انقلابی، چه میان مسلمانان مبارز و نیروهای چپ دگرساندیش (از آن جمله نیروهای راستین مارکسیست) و چه در میان خود نیروهای مبارز مسلمان، بسود حفظ مواضع خود سوء استفاده کنند. در این جریان باید به اشتباهات بزرگ بخش مهمی از نیروهای ضد امپریالیست و مردمی و تحریکات آن قسمت از ستون پنجم دشمن امپریالیستی گنجه ماسکهای "چپ" بر صورت خود زد ماند و از همان آغاز انقلاب بجای اتخاذ سیاست اتحاد و انتقاد و مبارزه، سیاست رودررویی و برخورد را با توده‌های میلیونی مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی برگزیدند، اشاره کنیم. این اشتباهات آب به آسیاب نیروهای راستگرا سرازیر کرد و به آنها امکان داد، که در چهارچوب مبارزه با تروریسم کور، که بوسیله حادته‌جویان از یک سو و از طرف ستون پنجم امپریالیسم، یعنی سیا - واکبها و شاه پرستان و نظائر آنها از سوی دیگر، در جامعه ایران بنه

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون"

بقیه از صفحه ۲

مورد اجرا گذاشته شده، ضربات جدی به همه نیروهای انقلابی مردمی، ام از پیروان سوسیالیسم علمی و یا آن بخشی از نیروهای مسلمان مبارز که خواستار جدی دگرگونیهای بنیادی بسود بحرومان هستند، وارد آورده اند. نیروهای قشری و راستگرا توانستند از این شرایط بهره گیری کنند و مبارزه علیه تروریسم کور را در ایجاد بسیار گسترده تری بصورت مبارزه با آزاد بیهای فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی، در آورند و همه دگراندیشان را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند.

بدون تردید این روش سیاسی، که در حاکمیت ایران هر روز وزنده سنگین تری پیدا میکند، به انقلاب پنهان میرساند و موجب میشود که بخشی از نیروهای انقلابی، که هواداران پیکر و راستین انقلاب هستند، از صحنه مبارزه برای نگهداری دستاوردهای انقلاب کنار زده شوند و در نتیجه صف نگهبانان انقلاب هرروز ناتوان تر شود. این واقعیتی است که بویژه در یک سال اخیر، یعنی در چهارمین سال زندگی انقلاب ایران، ما شاهدش هستیم. در عین اینکه اقدامات تروریستی به میزان چشمگیری ناچیز شده اند، ولی محدودیتهای سیاسی در مورد آزاد بیهای فردی و اجتماعی و فشار سیاسی به دگراندیشان و بویژه به نیروهای چپ هر روز افزایش می یابد و این فشار نه تنها به آن بخشی که از عملیات تروریستی پشتیبانی کرده، بلکه به آن بخشهایی، که از همان آفسمساز اقدامات تروریستی را محکوم کرده و از غلط ضد امپریالیستی و مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی، یعنی امام خمینی، پشتیبانی کرده، نیز وارد می آید.

حزب توده ایران از همان اولین روزهای اوچگی سریش جنبش انقلابی ایران، با ارزیابی درست از نیروهای شرکت کننده در انقلاب و گرایشهای آنها، سیاست پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی و پیروانش را در پیش گرفت و آنها را قاطعیت دنبال کرد، و بهمین جهت مورد دشمنی کینه توزانه دشمنان انقلاب ایران قرار گرفت.

حزب ما شعار جنبه متحد خلق را، جنبه های که همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی مسلمان و دگراندیشان را در برگیرد، برگزید و پیگیرانه در راه تحقق آن تلاش کرد. حزب ما با تجربه گیری از مبارزات چهل ساله انقلابی خود و با آموزش از تجربه انقلابهای مردمی در سایر کشورها سیاست اتحاد و انتقاد با همه نیروهای ضد امپریالیست و هوادار حقوق محرومان را انتخاب کرد و سعی کرد تا با کمک فکری بسنه سایر نیروهای مترقی و مردمی که دچار گمراهی و اشتباه میشدند، به آنان در تصحیح اشتباهاتشان یاری رساند.

تحسول سیاسی چشمگیری "سازمان فدائیان خلق" که بخش قابل توجهی از نیروهای مبارز جوانان پیرو سوسیالیسم علمی را در بر میگیرد، از مواضع سکتاریستی چپ روانه بسنه مواضع درست انقلابی و انترناسیونالیستی را میتوان اولین رویداد مهم در روند چیره شدن بر اختلافات در جنبه نیروهای خلقی بحسب گذاشت. در یک سال اخیر اولین نطفه های توجه به اهمیت تشکیل جنبه های از نیروهای مسلمان مبارز یا همه گروهها و سازمانها و نیروهای دگراندیشان انقلابی، در میان پیروان اسلام انقلابی دیده می شد و میتوان امیدوار بود که مسیر آینده رویدادهای سیاسی در ایران و در منطقه، تشدید فشار امپریالیسم جهانی برای سرکوب جنبشهای انقلابی ضد امپریالیستی در منطقه و آشکارتر شدن عملکرد سازشکاران و تسلیم طلبان و نقش روز افزون آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی، این نطفه را بیش از پیش تقویت نماید.

س: جنگی که کشورها را در مقابل هزاق قرار داده همچنان ادامه دارد. این جنگ تا کون قربانیان زیادی داشته و ضربات شدیدی نیز بر اقتصاد کشور وارد آورده است. شما پایان دادن به این جنگ را چگونه می بینید؟

ج: نظر شما درست است. جنگی که آتش آنرا امپریالیسم آمریکا روشن کرد و با تجاوز عهد شکنانه نیروهای عراق به یکی از حساسترین مناطق اقتصادی و سق الجیشی میهن ما آغاز گردید و اکنون سال سوم خود را میگذراند و هنوز دورنمایی برای پایان پذیرفتن آن دیده نمیشود، تا کنون به دولت ایران و عراق خسارات انسانی و مادی بسیار سنگین وارد ساخته است. خسارات وارده از لحاظ انسانی بر دو طرف مدتهاست از مرز صد هزار نفر گذشته و خسارات مادی آن در ایران در این یک سال آن سوی مرز صد میلیارد دلار قرار گرفته است. هزینه جاری جنگ هرروز ۲۰-۵ میلیون دلار از امکانات مالی ملت ایران را میلعد و بدون شك در عراق هم همینطور است. صدها هزار نفر از جوانان دو کشور، بجای فعالیت سازنده برای شکوفا کردن اقتصاد و فرهنگ میهن خود، رودرروی هم ایستاد ماند و یک دیگر را نابود میکنند.

علاوه بر این خسارات و شاید مهتر از آن خسارات، تاثیر بسیار منفی جنگ بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران است. تجاوز عراق، که به تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، پیسرا ز ناتوان کردن ایران انقلابی و هدف مهم دیگر نیز داشت، یکی ایجاد دشمنی میان خلقهای ایران و خلقهای عرب هسایه و در پیامند آن، کند کردن سرعت تاثیر انقلاب ایران در کشورهای امپریالیسم زده و ارتجاعی منطقه، دوم کند کردن روند گسترش و تکامل انقلاب در خود ایران. در پیامد جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران به سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته بسنه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرمهای مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کندتر و کندتر کردند و آنها را به رکود کشاندند. در این چهار چوب میتوان امروز به روشنی دید، که باکمال تاسف امپریالیسم آمریکا، که آتش افروز اصلی این جنگ است، به بخش زیادی از هدفهایی که با روشن کردن این آتش در برابر خود قرار داده بسود، رسیده است.

حزب توده ایران در عین اینکه همیشه از لزوم مجور کسردن نظامی متجاوزین عراقی به ترك زمینهای اشغال شده از میهنمندان پشتیبانی کرده است، عقیده دارد که ادامه این جنگ در شرایط کنونی تنها و تنها بسود امپریالیسم جهانی و صهیونیسم اسرائیل در منطقه است. امپریالیسم آمریکا میگوید که از درگیری دو کشور از بزرگترین کشورهای منطقه خلیج فارس بهره گیری کند و مواضع خود را در این منطقه هر روز مستحکمتر سازد و شرایط را برای استقرار حکومت های کامسلا وابسته بخود در این دو کشور آماده گرداند. صهیونیسم اسرائیل هم با راهنمایی و پشتیبانی آمریکا، از این درگیری هرروز بیشتر بهره گیری میکند و فشار خود را بر مردم فلسطین و لبنان می افزاید و تجاوز جناح ینگار خود را گسترش میدهد. بی جهت نیست که هم آمریکا و هم اسرائیل و هم سایر همدستانشان در دنیای امپریالیستی نیکوشند تا از همه راههای ممکن نفت بر این آتش بریزند و شعله های جنگ بین دو ملت محروم و برادر را، هر قدر ممکن است، شعله ورتر سازند.

بسیاری از دولتمردان و سنیولان در حاکمیت ایران هم ایسین واقعیت تلخ و دردناک را می بینند، ولی با کمال تاسف هنوز دورنمایی برای پایان یافتن جنگ پدیدار نشده است. از طرف دیگر، باید انتظار داشت که با تدارکات وسیع و همه جانبه ای که امپریالیسم آمریکا در تمام منطقه اطراف خلیج فارس، از دریای مدیترانه و دریای سرخ گرفته تنسنا پاکستان، دیده است، ادامه جنگ میان ایران و عراق و بویژه حدت یاسد فتن آن، وضع منطقه را بطور جدی و بسود امپریالیسم متزلزل مسازد. واقعیت مسلمی است که هدف اساسی و تغییر ناپذیر امپریالیسم آمریکا در منطقه براندازی رژیم کنونی جمهوری اسلامی و جانشین ساختن آن با یک رژیم سرسپرد به آمریکا است، امپریالیسم آمریکا میگوید از راه فشارهای خارجی و یا از راه تحریکات داخلی در جهت مسخ حاکمیت

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسون"

بقیه از صفحه ۳

کنونی ایران و تسلط ساختن نیروهای راست در آن، به این هدف برسد. ادامه جنگ، که بدون تردید موجبات ضعیف کردن ایران را دربر خواهد داشت، برای پیشرفت این نقشه جهانی امپریالیسم آمریکا شرایط هر روز مساعد تری بوجود می آورد.

بر پایه این واقعیات، حزب توده ایران بر آن است که ادامه این جنگ با زیانهای یازهم بیشتری برای میهن ما همراه خواهد بود، و برعکس، پایان بخشیدن به جنگ ظریف همه خساراتی و زیانهای که وارد آورده است، از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه های شیطانی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه، اثر مصلحتی خواهد گذاشت مگر آنست که پس از انقلاب ایران و گسترش جنبش ضد امپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد.

س: بطور کلی چه دورنمای سیاسی به مردم ایران پیشنهاد میکنید؟ موضع حزب توده ایران نسبت به نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چگونه است؟

ج: پاسخ به این پرسش دشوارتر از پاسخ به پرسشهای دیگر است. طاعت هم اینست که انقلاب ایران یکی از بخرنج ترین دورانهای خود را میگذراند. واقعیت اینست که چهارمین سال انقلاب نیروهای راستگرا در سیاست داخلی و سیاست خارجی بدو زمینههای نظام اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حملات همه جانبه خود را به دستاورد های انقلاب شدت دادند و مواضع مهمی را از دست نیروهای وفادار به انقلاب، یعنی پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی بیرون کشیدند. در مجلس شورای اسلامی، در طی این سال سده قابل توجهی از نمایندگانی که در گذشته در جهت خط مردمی، یعنی هواداری از دگرگونیهای بنیادی پیوند محرومان جامعه و محدود کردن امکان غارتگری نروتمندان قرار داشتند، به تدریج به اردوگاه مقابل پیوستند. قوانینی که به نحوی از انحاء منافع طبقات استعمارگر بزرگ جامعه را مورد تهدید قرار دهد، تنها با اقلیت ناچیزی میتواند در مجلس تصویب برسد. تازه این قوانین، اگر در مجلس تصویب برسد، در شورای نگهبان قانون اساسی، که از قهرهای اسلامی شیعه، با انتخاب امام خمینی، برگزیده میشوند، مورد تأیید قرار نمیگیرد.

آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مطبوعاتی پیش از پیش زیر پا گذاشته میشوند و پیوندهای زمین نیروهای راستین چپ هر روز بیشتر زیر فشار قرار میگیرند. هرگونه فعالیت سیاسی نیروهای دگراندیش مردمی، اعم از مسلمانان چپگرا و یا پیروان سوسیالیسم علمی، غیر ممکن گردیده است. با اینکه طبق قوانین تصویب شده در مجلس، فعالیت احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات، تا حدود معینی مجاز اعلام شده، اما در عمل، این فعالیت بوسیله نیروهای راستگرا که در دادگاههای انقلابی مواضع کلییدی را در دست دارند، غیر ممکن میگردد.

در زمینه سیاست خارجی، با اینکه آمریکا و اسرائیل یعنی دشمنان شماره یک و شیطان بزرگ در مرکز تبلیغات قرار دارند، و در دوران اخیر فرانسه هم به آنها اضافه شده است، ولی در عمل گرایش دولت جمهوری اسلامی به توسعه مناسبات و دادوستدهای اقتصادی با دنیای امپریالیستی و بویژه با ژاپن، اروپای غربی و کشورهای وابسته به آنان، مانند ترکیه و پاکستان و نظائر آنها، بطور روز افزونی گسترش پیدا میکند.

در میدان مناسبات سیاسی با دنیای خارج، به شوری ستیزی آشکار در تبلیغات پر دامنه داخلی وابسته به حاکمیت و در تظاهرات سیاست خارجی رسمی کشور، دامن زده میشود و کوشش میشود که با بزرگ کردن خطر راهی شوروی و کمونیسم، افکار عمومی مردم برای گرس ایشهای جدید حاکمیت جمهوری اسلامی در سیاست خارجی آماده گسردد.

در زمینه اقتصادی، از یکسو در جهت تأمین عدالت اجتماعی پیوسته

محرومان تقریباً میتوان گفت، که هیچ اقدام اساسی و بنیادی انجام نکرده است، ولی در مقابل گامهایی در جهت تحکیم و تقویت مواضع کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ برداشته شده و میشود. مالکانی که از ترس انقلاب گریخته بودند، به اراضی خود باز میگردند و یکمک نهاد، مسای دولتی و انقلابی زمینهای خود را از دهقانان، که در چند سال اخیر آنرا کشت میکردند، پس میگیرند. بسیاری از کارخانجاتی که در افسر بد هکاری کلان صاحبانشان به دولت، به تعلق دولت درآمده بود، یکی پس از دیگری به صاحبان اولیه بازگردانده میشود. فشار گرانی سرمایه آور، که در درجه اول پیامد غارتگری بیسابقه محافل سرمایه داری بزرگ است، بر روی میلیونها کارگر و دهقان و کارمند و روشنفکر و تولیدکننده گان خرده پا هر روز سنگین تر میشود. اقدامات نیروهای انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر مقاومت سرسخت محافل سرمایه داری و مدافعان و وابستگان نشان در حاکمیت و دستگاه دولتی، تا حد زیادی خنثی میشود.

به این ترتیب میتوان گفت که انقلاب در همه زمینهها دچار بحران درونی شده است و در پیاهد این بحران، ناخوشنودی توده های وسیع زحمتکشان شهر و روستا هر روز شدت پیدا می کند.

ضد انقلاب داخلی و دشمنان خارجی انقلاب و به ویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل که ستون پنجم نیرومندی در داخل کشور در اختیار دارند، با تمام وسائل تبلیغاتی و سازمانهای وابسته به خود و به کمک بخشی از روحانیان وابسته به ارتجاع، میکوشند این ناخوشنودی را در جهت ناتوان کردن انقلاب، جدا کردن مردم از نیروهای راستین هوادار پیشرفت و گسترش انقلاب، مورد بهره گیری قرار دهند. فقدان یک تشکل سیاسی - اجتماعی، که نیروهای راستین انقلاب را به صورت جبههای در بگیرد، نبودن تشکل سیاسی در میان پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، وجود اختلافات جدی در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک در میان نیروهای انقلابی چپ، وجود سوء تفاهمات میان نیروهای انقلابی چپ و نیروهای پیرو خط امام خمینی، که گاهی به دشمنی های شدید می انجامد همه و همه کار را برای دشمنان انقلاب آسان میکند.

ولی در برابر این روند منفی، رشد بیداری و آگاهی انقلابی در توده های محروم شهر و روستا بویژه در میان کارگران، روشنفکران و دهقانان بی زمین و کم زمین، عامل مهمی در جهت جلوگیری از دسائس نیروهای راستگرا و ضد انقلاب بشمار می آید.

در این شرایط، مسئولیت تاریخی سنگینی به عهده تمامی طیف نیروهای مردمی پیشرو، از پیروان اسلام انقلابی امام خمینی تا نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی است. البته سنگین ترین بخش این مسئولیت بعهده نیروهای انقلابی مسلمان است، که از نفوذ قابل توجهی در میان توده ها برخوردارند. اگر این نیروهای هوادار محرومان، نیرومندی هوادار استقلال واقعی و همه جانبه نیروهای هوادار آزادی برای اکثریت محروم جامعه بتوانند در این دوران سرنوشت ساز با توجه به مسئولیت تاریخی خود جبهه متحدی بوجود آورند و با تکیه به نیروی عظیم توده های زحمتکش خواستار دگرگونیهای بنیادی، حمله نیرومندی راستگرا را با ناکامی روبرو سازند، بدون تردید انقلاب راه پر افتخاری را که در چهار سال پیش آغاز کرد، ادامه خواهد داد.

آنچه حزب ما بعنوان راه برون رفت از بحران کنونی پیشنهاد میکند، گام برداشتن در این راه، یعنی راه ایجاد یک جبهه متحد از همه نیروهای انقلابی مسلمان و نیروهای دگراندیش پیرو سوسیالیسم علمی و سایر نیروهای میهن دوست و آزاد پخواه است. تنها چنین جبههای که در داخل کشور به نیروهای عظیم خلق متکی باشد و در صحنه جهانی، جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی همکاری نماید و از پشتیبانی بیدریغ این جبهه عظیم جهانی برخوردار شود و انقلاب ایران از آن پیوسته مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم جهانی بهره گیری کند، میتواند انقلاب را از بحران کنونی خارج سازد و بسوی شکوفایی هدایت نماید.